

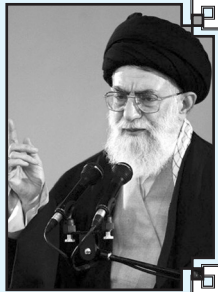
«...دعواهای ما دعوی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زحمت

رهبر معظم انقلاب:
امت اسلامی
باید تمدن
نوین اسلامی را
پایه‌ریزی کند



سال سی و ششم ♦ شماره ۱۹ ♦ شماره مسلسل ۱۵۱۳ ♦ نیمه اول دی ماه ۱۳۹۴ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

شهادت آیت الله نمر و پیام های مراجع تقلید در محکومیت جنایت آل سعود



وزارت کشور عربستان با صدور بیانیه‌ای از اجرای حکم اعدام شیخ نمر باقر النمر رهبر شیعیان عربستان خبر داد.

شبکه خبری «العربیه»، خبر داد بر اساس بیانیه وزارت کشور عربستان، حکم اعدام شیخ نمر به همراه ۴۶ متهم دیگر که اغلب آنها تروریست معرفی شده‌اند در ۱۲ منطقه در عربستان اجرا شده است.

شیخ نمر باقر النمر متولد سال ۱۳۷۹ هجری قمری در عوامیه (در شرق عربستان) یک مجتهد شیعه و فعال حقوق بشر عربستانی است. او در پی اعتراضات شیعیان عربستان در سال ۲۰۱۲ بازداشت شد و در ۲۳ مهرماه ۱۳۹۳ دادگاه جنایی عربستان سعودی شیخ نمر را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و محاربه، به «اعدام با شمشیر و به صلیب کشیده شدن در انتظار عمومی» محکوم کرد.

در کمتر از سه ماه پیش وزارت کشور عربستان با امضای «محمد بن نایف» ولی عهد این کشور حکم اعدام شیخ «نمر باقر النمر» روحانی مبارز شیعه عربستانی را تأیید کرد، که این به معنای مجوز به وزارت کشور برای اعدام شیخ نمر تنها با امضای «سلمان بن عبدالعزيز» پادشاه عربستان برای اجرای حکم اعدام بود.

رهبر معظم انقلاب:

دست انتقام الهی گریبان سیاستمداران سعودی را خواهد گرفت

حضرت آیت الله خامنه‌ای جنایت آل سعود در به شهادت رساندن شیخ نمر باقر النمر را به شدت محکوم کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای در جلسه درس خارج فقه، جنایت بزرگ عربستان سعودی در به شهادت رساندن عالم مؤمن و مظلوم، شیخ نمر باقر النمر را به شدت محکوم کردند و با تأکید بر لزوم احساس مسئولیت دنیا در قبال این جنایت و جنایات مشابه سعودی در یمن و بحرین، خاطرنشان کردند: بدون تردید خون به ناحق ریخته این شهید مظلوم به سرعت اثر خواهد کرد و دست انتقام الهی گریبان سیاستمداران سعودی را خواهد گرفت.

حضرت آیت الله خامنه‌ای گفتند: این عالم مظلوم نه مردم را به حرکت مسلحانه تشویق می‌کرد و نه به صورت پنهانی اقدام به توطئه کرده بود، بلکه تنها کار او، انتقاد علنی و امر به معروف و نهی از منکر برخاسته از تعصب و غیرت دینی بود.

رهبر انقلاب، شهادت شیخ نمر و ریختن به ناحق خون او را خطای سیاسی دولت سعودی خواندند و افزودند: خداوند متعال از خون بی‌گناه نمی‌گذرد و خون به ناحق ریخته، بسیار سریع دامن سیاستمداران و مجریان این رژیم را خواهد گرفت.

ایشان با انتقاد شدید از سکوت مدعیان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر و حمایت آنان از رژیم سعودی که خون بی‌گناه را تنها به خاطر انتقاد و اعتراض به زمین می‌ریزد، تأکید کردند: جهان اسلام و همه دنیا باید نسبت به این قضیه احساس مسئولیت کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای آزار و شکنجه مردم بحرین توسط نظامیان سعودی و تخریب مساجد و خانه‌های آنان و همچنین بیش از ۱۰ ماه بمباران مردم یمن را نمونه‌های دیگری از جنایات رژیم سعودی خواندند و تأکید کردند: کسانی که صادقانه به سرنوشت بشریت و سرنوشت حقوق بشر و عدالت علاقه‌مند هستند، باید این قضایا را دنبال کنند و نباید نسبت به این وضعیت بی‌تفاوت باشند.

رهبر انقلاب همچنین افزودند: یقیناً شهید شیخ نمر مورد تفضل خداوند خواهد بود و بدون شک دست انتقام الهی گریبان ظالمانی را که به جان او تعدی کردند خواهد گرفت و این همان چیزی است که مایه تسلی است.

ادامه در صفحه ۵

دکتر علی لاریجانی مطرح کرد: ارتزاق نهادهای دینی به وسیله دولت؟!!



صفحه ۱۲

چرا سید قطب؟



گفت و گو با استاد خسرو شاهی

صفحه ۶

مقاومت «آیت الله شیخ عیسی قاسم» در کنار جوانان بحرینی ستودنی است



صفحه ۴

رییس جمهور: هلال شیعه و سنی نداریم؛ یک بدر اسلامی داریم



صفحه ۷

گفتاری از آیت الله واعظ زاده خراسانی چگونگی تاسیس مجمع جهانی تقریب



صفحه ۱۰

حجت الاسلام والمسلمین مختاری: تعالی ارزش های اخلاقی در گرو تعامل دوسویه میان انسان و تکنولوژی است



صفحه ۱۰

تعامل حوزه و دانشگاه

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد ثقفی

امروزه در همه کشورهای اسلامی (ایران، مصر، عراق، ترکیه و...) دو نهاد آموزشی حوزه و دانشگاه در تربیت نسلهای مسلمان با همدیگر تسابق دارند. هر کدام از آنها بخشی از علوم را - جدا از همدیگر - در عرصه فرهنگی تعلیم می‌دهند. در دیروز تاریخ تمدن اسلامی در حوزه‌های علمی هرگز علوم اسلامی از دیگر علوم جدا نبود، بلکه حتی مطالعه طبیعت آیه‌ای از آیات الهی تلقی می‌گردید. آنچه در حیات علمی مسلمانان



حضور داشت، حوزه‌های علمی بود. اما بعد از ارتباط جهان اسلام با غرب، مسلمانان با اقتباس علوم غربی و تأسیس دانشگاه خواستند عقب‌ماندگی خود را جبران نمایند؛ اما متأسفانه بافت دانشگاه‌ها سکولار بود و با تربیت جوانان کشور، نسل غریزده‌ای را به بار آورد که با بهانه علم، ریشه‌های مذهبی را خشکاندند و بلایی به سر کشورها آوردند که باخود بیگانگی فرهنگی محصول مستقیم آن بود. انقلاب اسلامی توانست نظام سیاسی کشور را تغییر دهد و در پی آن همه عرصه‌های سیاسی، علمی و فرهنگی تغییر یافت. و حوزه و دانشگاه به عنوان دو نهاد علمی خواستند که با همکاری نقایض هر یک را جبران نمایند. این دو نهاد در طول این سه دهه روی همدیگر تأثیر گذاشتند و تأثیر گرفتند، چیزهایی دادند و چیزهایی اقتباس کردند. این تبادل امتیازها و خلأهایی همراه خود داشت و نگارنده قصد دارد با در نظر گرفتن دیدگاه علامه آصفی، این رابطه را به بحث گذاشته، پیشنهادی نیز در تکمیل طرح ارائه دهد.

تاریخ علم در اسلام

اگر بخواهیم ریشه و تاریخ علم در اسلام را مطالعه کنیم، به روشنی می‌فهمیم که در تمدن اسلامی علم هرگز (مانند امروزه حوزه‌ها) منحصر به علوم به اصطلاح اسلامی دینی نبوده است، بلکه علم در فهم و اندیشه مسلمانان به همه معارف و معلومات انسان مرتبط با هستی، زمین، آسمان، طبیعت و... اطلاق می‌شد و هر گونه مطالعه در مورد هر موضوعی (طبیعی، انسانی، عقلی) به عنوان آیه‌ای از آیات خداوند تلقی می‌گردید. جابر بن حیان - شاگرد امام صادق (ع) - بود که درباره طبیعت و مواد شیمیایی مطالعه می‌کرد و وزن مخصوص عناصر را به دست آورد. وی اولین دانشمندی است که روش تجربه را در مطالعات علمی خود (شیمی) به کار برد و با تأمل و تعمق علمی و دقت نظر، آزمایشهای شیمیایی انجام می‌داد و به صراحت می‌گفت: «آن

که به کیمیا (علم شیمی) می‌پردازد، باید از روش تجربی استفاده کند؛ زیرا معرفت علمی جز از راه تجربه به دست نمی‌آید و دانشجویان نباید با کارهای محال و بی‌فایده، عمر خود را تلف کنند. بایست در هر کار آزمایشی از راه اسباب معین آن اقدام کرد. معارف را خوب بیاموزند؛ زیرا هر صنعتی روشهای فنی خود را لازم دارد.» توحید مفضل نیز یک دوره علم تشریح ساده است که حضرت صادق (ع) به مفضل بن عمر تعلیم دادند.

در دورانی، علم در تمدن اسلامی نضج گرفت و ارتقا یافت. در مؤسسات علمی همه علوم (از دینی تا طب و کیمیا و ریاضی و نجوم حتی نورشناسی) با هم تدریس می‌شد و طلاب در همه موارد رشد می‌یافتند، به طوری که مثلاً در موضوع نور، دانشمند مسلمان این هیشم در کشف نکاتی مهم ممتاز بود و در این زمینه بر اسحاق نیوتن سبقت داشت. او در دانشگاه الازهر به کار تصنیف و تدریس سرگرم بود و حدود سال ۳۰۳ق درگذشت. وجود دایره‌المعارفهای عمومی در تاریخ علم مانند «رسائل اخوان الصفا»، «مفاتیح العلوم» خوارزمی و «کشف اصطلاحات العلوم و الفنون» تیهانوی، رواج علوم متنوع را در جهان اسلام و دانشگاه‌های و مدارس نشان می‌دهد.

نخستین جدایی‌ها

اما متأسفانه این وحدت و هماهنگی در حوزه علمی چندان دوام نیاورد و با گذشت زمان، حوزه‌های علمی کم‌کم قلمرو خود را به تدریس و تعلیم معارف دینی محدود کردند و دو گونه مراکز علمی به وجود آمد: یک بخش از آن انحصار در تدریس علوم دینی داشت (همچون: الازهر، نجف اشرف، حوزه قم، جامعه زیتونه (تونس)، جامعه قرویین (مراکش) و...)، بخش دوم دانشگاه‌ها بودند که تنها به تدریس علوم و معارف بشری پرداختند؛ اما اوج این جدایی‌ها از دوره‌ای آغاز شد که غرب‌زدگی در تار و پود جهان اسلام نفوذ کرد و کسانی رشته تدریس علوم را در دست گرفتند که می‌کوشیدند فرهنگی غربی را جایگزین فرهنگ اسلامی نمایند. علامه آصفی در مقدمات بحث خود به این مطلب اشاره می‌کند که: «این هجوم تقریباً بعد از سقوط دولت عثمانی آغاز شد و سه جریان ناسیونالیستی ضد فرهنگ اسلامی در کشورها جریان یافت: ترکیه (به وسیله آتاتورک)، ایران (به وسیله رضاخان) و دولت ملی عربی در مصر و لبنان.

ادامه در صفحه ۲

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۲ بهشت
شماره ۱۹
شماره مسلسل ۱۵۱۳
فرهنگی
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

ادامه از صفحه اول

در این دوره استعمار بر نابودی فرهنگ اسلامی مصمم شد و رهبران سیاسی و غرب‌گرا نیز در این مسیر نخستین گام‌های خود را زیر عنوان «توسعه» و نوسازی کشور از فرهنگ آغاز کردند. و شاید نخستین پایگاهی که به صورت اساسی این وظیفه را انجام داد، تأسیس دانشگاه‌هایی بود که تفکیک علوم اسلامی را از قلمرو علوم جدید در برنامه خود داشت.

تلاش‌های ضد اسلامی در ترکیه

تغییر و تحول جامعه عثمانی بعداز تصویب «تنظیمات» و فرمان «خط همایون» و «خط شریف گلخانه» از جانب خلیفه عبدالحمید آغاز شد.در این دوره مدرسی تأسیس یافت که در آنها علاوه بر علوم دینی، ریاضی وجغرافی و تاریخ نیز تدریس می‌شد (۱۸۴۰م). در سال ۱۸۷۰ دانشگاهی تأسیس شد که هر کس حق داشت آزادانه از فرهنگ و مذهب خود استفاده کند. در این سالها تلاش می‌شد که حتی در جوامع نامسلمان، رهبری از دست کشیش‌ها خارج شود و به دست جوامع مذهبی‌پروستانت‌بیفتد.

این کارها از آن جهت صورت می‌گرفت که اتباع مسلمان و نامسلمان به هم نزدیک شوند و ملت واحدی را تشکیل دهند که بقای خلافت عثمانی به آن وابسته بود. نتیجه این تحولات، خالی شدن نظام آموزشی و قضایی از مواد اسلامی بود و اینکه آنها خود به صورت یک نهاد مستقل درآمدند.

به این ترتیب روشنفکران ترک جامعه عثمانی را برای پذیرش فرهنگ غربی و مدرنیته که به زعمشان با اسلام منافاتی نداشت، مهیا ساختند. حاکمیت نظام مشروطه به وسیله روشنفکرانی مانند نامق کمال، ابراهیم شیناسی و ضیاءپاشا کشور را برای تحول عصر جدید فراهم ساخت و نسل جدیدی از روشنفکران پدید آورد. «ترکان جوان» در داخل خود به دو گروه تقسیم می‌شدند: یکی گروهی تحت رهبری احمد رضا که به سلطانی قوی، متمرکز شدن قدرت در دست حکومت مرکزی و تسلط یافتن عناصر اسلامی – ملی در جامعه عثمانی تمایل داشت؛ و دوم گروهی به رهبری شاهزاده صلاح‌الدین که خواهان دولتی نامتمرکز و نظام فدرالی بودند. در برابر این دو نیرو، گروهی از افسران ارتش و دیپونسالاران بودند که در دمشق و سالونیک، هسته‌های انقلابی متعددی به وجود آوردند و یکی از آنها مصطفی کمال (آتاتورک) بود. از پطن این نیروها «کمیته اتحاد و ترقی» پدید آمد که شدیداً سکولار بود و طی سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۸ تلاش گسترده‌ای را برای سکولار کردن مدارس، دادگاهها و قوانین انجام داد. برنامه کمیته اتحاد و ترقی در عین سکولار و غیر

دینی بودن، کاملاً جهت‌گیری ملی داشت. سرانجام بعد از اینکه آتاترک در کنفرانس «لوزان» با سران اروپا به توافق رسید و توانست اراضی خلافت عثمانی را در محدوده سرزمین ترک‌نشین محدود سازد و کشور ترکیه را به رسمیت بشناسند، زمام قدرت را به دست گرفت و نظام سیاسی کشور را جمهوری اعلام نمود. به اجمال می‌توان اقدامات او را چنین خلاصه کرد: «مهمترین سیاست رژیم آتاترک، انقلاب فرهنگی بود. وی در نظر داشت ارتباط مردم را با اسلام قطع کند و مردم را به سوی زندگی بر اساس اصول غربی و سکولاریستی سوق دهد. از این رو نهادهای سازمان‌یافته اسلامی را ملغی کرد. در سال ۱۹۲۴ نظام خلافت را برچید و موقوفات و علما را تحت نظر «اداره امور مذهبی» قرار داد. در سال ۱۹۲۵ فرقه‌های صوفی را غیر قانونی اعلام کرد. در سال ۱۹۲۷ ملت را به تغییر لباس ملزم ساخت. در سال ۱۹۲۸ الفبای لاتین را جایگزین الفبای عربی ساخت و ارتباط نسلهای مسلمان را با فرهنگ اسلامی و زبان قرآن برید. و تلاش زیادی برای زدودن زبان ترکی از لغات عربی و فارسی آغاز کرد. قانون خانواده بر اساس مجموعه قوانین سوئیس تدوین شد و جایگزین قوانین شریعت گشت.» به این ترتیب آتاترک در خلال سالیان حکومتش اسلام را از رسمیت انداخت، نقش اجتماعی‌اش را از آن سلب کرد و ارتباط مردم را با فرهنگ

سنتی و اسلام، قطع نمود.

نظام پهلوی و اجرای فرهنگ غربی

می‌توان گفت عمده هدف دولت پهلوی دو چیز بود: مدرن کردن اقتصاد کشور و جایگزینی فرهنگ غربی به جای فرهنگ بومی (اسلامی). رضاشاه که به خاطر ایجاد امنیت و ثبات در کشور، مقبولیت یافته بود، پس از تحکیم قدرت خود به وسیله متجددانی همچون فروغی، داور، تقی‌زاده و تیمورتاش، با دیدار و اقتباس از برنامه آتاترک بر آن شد که راه او را دنبال کند. دو گروه به رضاشاه مشاوره می‌دادند: تیم فروغی، تقی‌زاده و علاء که می‌خواستند او را به آداب غربی سوق دهند و تیم تیمورتاش، نصرت‌الدوله و داور که او را به عرفی کردن و غیر دینی کردن کشور و قوانین وتجدد امرانه ترغیب و تشویق می‌کردند. به تعبیر مهندس بازرگان، آن روزی که دانشگاه تهران پی‌ریزی می‌شد، در بنای آن خدا مطرح نبود، دینداری و عمل به افکار و احکام دینی را عقب‌ماندگی و امّلی می‌دانستند! پهلوی دوم نیز تکمیل‌کننده برنامه دولت پهلوی اول بود. در این دوره توده‌ای‌ها توبه‌کار هم به یاری رژیم آمدند و جاده را برای غیبردینی کردن جامعه هموار کردند. آن دو (حکومت و حزب توده) در یک چیز با هم توافق داشتند: مبارزه با دین. استاد آصفی دلایل و آثار این جریان را چنین بیان می‌کند:

دلایل این تفکیک و جدایی

راستی چرا جریان تجددگرایی اصرار دارد که باید همه چیز فرهنگ سنتی و اسلامی حذف شود؟ اگر توسعه و پیشرفت مطلوب است و غرب در آن زمینه پیشگام است، از چه منبع معرفتی این پیشرفت حاصل می‌شود؟ شاید تنها دلیل خود را حاکمیت تئوری تکامل پوزتیویستی قلمداد کند که برحسب تقسیم معرفتی آگوست کنت، معرفت بشری به سه دوره تقسیم می‌شود: دوره ربانی (دینی)، دوره فلسفی (عقلانی) و دوره علمی (اثباتی). و تنها علم است که قدرت می‌افزاید و سبب پیشرفت می‌شود. در واقع با تحولی که در قرن ۱۶ صورت گرفت، هدف و جهت علم از «حقیقت‌خواهی»، به «تحصیل قدرت» تغییر یافت.

حال سؤال این است که: آیا چنین بشری، همه قدرت علمی خود را برای سود رساندن به نوع بشر استفاده کرد و یا اینکه با بی‌پروایی و بی‌تقوایی علم را در خدمت نابودی دیگران قرار داد؟ از بمب اتم در ناکازاکی استفاده کرد، محیط زیست را نابود ساخت، با فلسفه‌بافی غلط و سوءاستفاده از تئوری تکامل، دارونیسم اجتماعی را ترویج نمود؛ جنگ‌های ویرانگر جهانی به راه انداخت و… آیا این تخلفات و گناهان نابخشودنی محصول «علم قدرت‌آور» بود یا نتیجه فقدان معنویت و برتری بخشیدن به ابعاد حیوانی انسان؟

کدام منبع معرفتی باید انسانیت را پرورش دهد و آدمی را بافرهنگ سازد؟ او را چنان بارآورد که در خدمت نوع بشر باشد نه در فکر استثمار و نابودی دیگران! اگر اصالت تنها در معرفت علمی است، دین و فلسفه خیالبافی و خرافات است و اصولاً این قسم معارف را نمی‌توان «علم» تلقی کرد! مریبان بشری را که انسان را در مسیر اعتلا برده‌اند، از میان کدام گروه معرفتی اجتماعی باید جست؟ آیا دانشمندان علوم تجربی اصلاحرر نفوس بوده‌اند، یا پیامبران و حکیمان؟ درست است که آن دانشمندان سطح زندگی مادی را بهبود بخشیده‌اند، اما این پیامبران و حکیمان بوده‌اند که به تهذیب نفس دعوت کرده و انسانهای فداکاری همچون خود را به بار آورده‌اند. آیا نباید سطح زندگی و اعتلای انسانی، با هم ارتقا یابد؟ این هدف، تنها در پرتو مکتابی به دست می‌آید که انسان را در مجموع زندگی مادی و معنوی جهت می‌دهند: «رَبِّنا اَتَّنا فِی الدِّنا حَسَنه و فِی الاَخره حَسَنه» (بقره، ۲۰۱). واقعیت این است که فلسفه پوزیتیویسم، گرچه فوایدی در تحقق مطالعه معرفتی داشته، اما باید انصاف داد که به افراط رفته و به تعبیر دیگر، بیش از حد لزوم بسط داده شده است؛ تا آنجا که امور اخلاقی و دینی را از آن خارج کرده است.

نهیضت بازگشت به خویشتن

نفوذ و سلطه استعمار در قرن نوزدهم بر کشورهای اسلامی و گسترش موج تقلیدگرایی و اقتباس فرهنگ

تعامل حوزه و دانشگاه

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد ثقفی

غربی و سلطه ذهنیت پوزتیویستی بر اندیشه روشنفکران از طرف سوم موجب شد که بیشتر جهان اسلام درهای خود را به روی فرهنگ غربی بگشاید و نتیجه چنین تهاجمی، از نظر تحول اجتماعی قشری را به وجود آورد که به تعبیر دکترشریعتی یقه‌سفیدان تصدیق به دست بودند که با تغییر هویت ایرانی –اسلامی، در تهی کردن کشور از فرهنگ خودی و تسلط بیگانه بر سرنوشت مسلمانها با یکدیگر به مسابقه پرداختند و آن‌چنان ازخود بیگانگی بر آنها حاکم شد که سخن از بریدن از قلمرو کشورهای اسلامی و پیوستن به کشورهای اروپایی در یکی (ترکیه)، و هم‌نژاد شدن ایران و آلمانی در دیگری، نشخوار محافل شد.

در اینجا بود که بازیابی هویت خویش، سخن مبارزان آفریقایی و آسیایی از امثال نیرره، لومومبا، بن‌یلا، عباس فرحت و فرانسس فانون گرفته تا اقبال لاهوری، گاندی، شریعتی و امام خمینی می‌شود. اینان در خلال یک قرن و اندی کوشیدند که خودآگاهی اجتماعی مردم را بالا ببرند و آنان را متوجه سازند که خودشان نیز شخصیت و هویت دارند و باید آن را دوباره احیا نمایند. گفتمان «بازگشت به خویشتن» از جلال آل احمد شروع شد؛ اما او تنها یک تیتَر را عنوان می‌کرد که حد و مرز و ماهیتش مشخص نبود. دکتر شریعتی بود که به روشنی مرزهای این بازگشت را مشخص ساخت و منظور روشنفکران دینی را از احیای هویت اجتماعی دینی بازگو کرد: هنگامی که ما از «بازگشت به ریشه‌های خود سخن می‌گوییم»، در واقع از بازگشت به ریشه‌های فرهنگی خود حرف می‌زنیم… ممکن است بعضی به این نتیجه برسند که ما ایرانیان، باید به ریشه‌های نژادی (آریایی) خود بازگردیم. من این نتیجه‌گیری را به طور قاطع رد می‌کنم. من با نژادپرستی، فاشیسم و بازگشتهای ارتجاعی، مخالفم. نکته مهمتر آنکه تمدن اسلامی، همچون قیچی عمل کرده است و ما را از گذشته پیش از اسلام خود کاملاً بریده است… نتیجه آنکه برای ما بازگشت به ریشه‌هایمان به معنی کشف دوباره ایران پیش از اسلام نیست، بلکه به معنی بازگشت به ریشه‌های اسلامی است.

پیروزی انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی تحقق واقعی این بازگشت بود. احیای اسلام و مطرح شدن آن به عنوان یک ایدئولوژی حرکت‌ساز زمان، واقعیتی بود که جهان را بر حیرت واداشت، سران انقلاب ترکیبی از روشنفکران مذهبی و عالمان روشنفکر بودند که در ترکیب شورای انقلاب نقش مؤثری داشتند. انتخاب شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» نوید همکاری حوزه و دانشگاه را نوید می‌داد. پیروزی انقلاب اسلامی، نه فقط بازگشتی به اسلام، ارزش‌ها و آرمانها بود، بلکه بازسازی کشور و فرهنگ از نو در پرتو فرهنگ اسلامی بود؛ پایانی بر دوره غرب‌زدگی و غرب‌زادگان و برچیدن فرهنگ تسلط استعمار غربی بود. تنها تکیه‌گاه باقی مانده برای مردم در برابر سلطنت غرب‌زده و ملی‌گرای و روشنفکران تهی از هویت ملی و مذهبی، دین و حامیان و پیشوایان سنتی آن بود. بدین معنی هویت اسلامی انقلاب در سال ۵۷ نقطه پایانی بر جریان غرب‌زدگی و شکست الگوهای تقلیدی، وارادتی فرنگی در ایران بود. انقلاب گرچه غرب‌زدگان و روشنفکران غیرمذهبی را مردود ساخت، اما از همکاری و همیاری روشنفکران دینی برخوردار بود.

شورای عالی انقلاب فرهنگی

تحولات اجتماعی – فرهنگی بعد از انقلاب به سرعت در ایران به وقوع پیوست. طبیعی بود که روند علمی و فرهنگی دانشگاه دیگر جدایی آن از فرهنگ اسلامی نخواهد بود. اصولاً شعار رهبران اسلامی این بود که اگر ما دانشگاه را اصلاح کنیم و نسلی خودباور، مؤمن، متعهد و عالم به وجود آوریم، دیگر طبقات جامعه هم اصلاح خواهد شد. به جرأت می‌توان گفت که تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و سپس «شورای عالی انقلاب فرهنگی» نقطه انسجام عالمان و روشنفکر و انگیزه جهت‌دهی به نظام آموزش عالی بود.

بعد از تعطیلی دانشگاه‌ها، بیانیه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، این هدف‌گیری و جهت‌دهی را تعیین می‌کرد:

«مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواسته ملت مسلمان می‌باشد، اعلام شده است و تا کنون اقدام مؤثری انجام نشده است و ملت اسلامی و خصوصاً دانشجویان بالیمان متعهد، نگران آن هستند و نیز نگران اخلال توطئه‌گران که اکنون گاه‌گاه آتارش نمایان می‌شود و ملت مسلمان و پایبند به اسلام خوف آن دارد که خدای نخواستہ فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد و فرهنگ همان باشد که در طول مدت سلطه رژیم فاسد کارفرمایان بی‌فرهنگ، این مرکز مهم اساسی را در خدمت استعمارگران قرار داده بودند. ادامه این فاجعه که مع‌الاسف خواست بعضی گروههای وابسته به اجانب است، ضربه‌ای مهلک به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد و تسامح در این امر حیاتی خیانتی عظیم بر اسلام و کشور اسلامی است.»

به دنبال این فرمان، ستادی از افراد صاحب‌نظر و متعهد از میان اساتید مسلمان و کارکنان بالیمان و دیگر قشرهای تحصیل کرده به وجود آید و برای برنامه‌ریزی رشته‌های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاه‌ها بر اساس فرهنگ اسلامی انتخاب و آماده‌سازی اساتیدشایسته متعهد و آگاه مربوط به انقلاب آموزشی –اسلامی اقدام نمایند. البته تحولات فرهنگی و سازمانی این تحولات اجتماعی شاید بعد از دو یا سه دهه آثار خود را نمایان ساخت و تحولات شگرفی در برنامه‌ریزی و تأسیس مؤسسات جدید (اسلامی –انقلابی) به وجود آورد. به یقین می‌توان این تحولات را تحول کیفی در نظام آموزش کشور و همکاری دو نهاد آموزشی حوزه و دانشگاه به حساب آورد.

ما به طور فهرست‌وار اسم موسساتی را که در هر کدام بخشی مهمی از تحولات فرهنگی را که محصول دو نهاد آموزشی بود را می‌آوریم:

۱– تأسیس دانشگاه‌های: تربیت مدرس، شاهد، الزهرا، بین‌الملل اسلامی، پیام نور؛

۲– تأسیس سازمانهای نشر: سازمان سمت (سازمان تدوین متون)، مرکز نشر دانشگاهی، انجمن آثار مفاخر فرهنگی؛

۳– دفتر جذب نیروهای متخصص خارج از کشور؛
۴– تأسیس مؤسسه عالی پژوهشی در برنامه‌ریزی و توسعه؛

۵– تأسیس فرهنگستان‌های: علوم، زبان و ادبیات فارسی، علوم اسلامی؛

۶– تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی: دانشگاه امام صادق(ع)، دانشگاه امام رضاع)، دانشگاه مفید، دانشگاه معارف اسلامی، مدرسه عالی شهید مطهری؛

۷– تغییر برنامه‌های آموزشی و گنجاندن مواد و معارف جدید (اسلامی) در دوره‌های تحصیلات تکمیلی.
تأثیر فرهنگ و معارف حوزوی در دانشگاه‌ها
به دنبال این تحول کیفی، چندین گروه و ستاد از اساتید متعهد دانشگاه تشکیل یافت و چندین درس تکمیلی را در نظام آموزشی به برنامه‌ها اضافه کردند. دکتر غلام‌عباس توسلی که در سازماندهی و برنامه‌ریزی تحصیلات تکمیلی علوم اجتماعی حضور داشت، در برنامه‌ریزی ستاد انقلاب فرهنگی چنین توضیح می‌دهد: «کمیته حوزه و دانشگاه پدید آمد… من از طرف ستاد انقلاب فرهنگی شرکت می‌کردم… از طرف حوزه هم آقای مصباح یزدی و چند نفر دیگر بودند… بعد از تفاهمات در بخشهای زیاد، بنا شد درسها حالت بومی‌تر و اسلامی‌تر شوند. بعضی از دروسی را که قبلاً وجود نداشت وارد دانشگاه کنیم؛ مثلاً: اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان؛ خانواده در اسلام، حقوق اسلامی، روان‌شناسی از دیدگاه اسلام، اقتصاد اسلامی، واحدهایی از جامعه‌شناسی اسلامی.

علاوه بر این رشته‌های علوم انسانی – اسلامی، تدوین و گنجاندن ۱۶ واحد درسی در دوره کارشناسی که زیر عنوان دروس معارف اسلامی نام‌گذاری شده بودند از دیگر مواد درسی بود که از تأثیرات حوزه علمی در نظام تحصیلی دانشگاه می‌توان نام برد. مواد درسی معارف اسلامی عبارت بودند از: درس معارف ۱ و ۲ (اصول عقاید)؛ اخلاق اسلامی؛ تاریخ اسلام؛ انقلاب اسلامی؛ تفسیر موضوعی قرآن؛ و چندین واحد دیگر. طبیعی

شگرف به وجود می‌آمد. گرچه امروز هم حوزه علمیه از وجود شخصیت‌های برجسته‌بهرمنداست.

اگر امروزه در سطح دانشگاهها طرح ISI مطرح است و دانشگاهیان از این طریق با دنیا ارتباط برقرار می‌کند، چرا در میان حوزویان وجود نداشته باشد؟

به نظر می‌رسد حوزویان تنها در نقطه «دفاع» ایستاده‌اند و نه در موضع «هجوم». وجود مؤسسه‌ای که کتابهای دانشمندان اسلامی را تعریب کند و لاقل در جهان عرب انتشار دهد، خود گام مثبتی در این باب است.

طرح دانشگاه اسلامی

پروژه تأسیس دانشگاه اسلامی که اخیراً در میان محافل اسلامی انقلابی مطرح می‌باشد، تنها به ایران اختصاص ندارد، بلکه دانشمندان مسلمان مانند دکتر اسماعیل الفاروقی (فلسطینی‌تبار مقیم آمریکا که به دست صهیونیست‌ها به شهادت رسید) و یا دکتر مصطفی العطاس (جامعه‌شناس مسلمان مالزیایی)، شاید اولین کسانی بودند که از تأسیس دانشگاه اسلامی و اسلامی کردن علوم سخن به میان آوردند. این طرح بیش از آنکه شعاری مطرح شود و یا از آن استفاده ابزاری کنند، بهتر است با همیاری و همفکری دیگر دانشمندان جهان اسلام چهارچوب نظری‌اش، روشن شود تا تحولی کیفی در جهان امروز ایجاد کند. در این خصوص باید از شخصیت‌هایی که در این زمینه تجربه دارند، نظرخواهی کرد.

جایی که زکی یمانی (وزیر نفت اسبق عربستان) از دکتر سیدحسین نصر در تأسیس انتشارات «الهدی» در لندن کمک می‌خواهد و از تجربیات او بهره‌مند می‌شود، چرا ما از تجربه چنین اشخاصی استفاده نکیم؟ مگر امثال دکترنصر شأن و پایگاه علمی‌شان کمتر از حنین بن اسحاق و خاندان نوبختی در نهضت ترجمه (در دوره طلایی تمدن اسلامی) است؟ اگر امروزه رجال سیاسی کشور با دشمن سرسختی همچون آمریکا برای حل مساله هسته‌ای مذاکره می‌کنند و مصالح ملی نظام را فراموش نمی‌کنند، چرا استفاده از شخصیتی مانند دکترنصر هنوز در بوته ابهام باقی می‌ماند؟

بازسازی تمدن اسلامی که بخشی از آن «ایجاد دانشگاه اسلامی» است، به تئوری‌پردازی نیازمند است و قطعاً نظریه‌پردازان علوم باید جامع دو فرهنگ اسلامی و معاصر باشند. وجود چنین شخصیت‌های جامعی برای پیشبرد اهداف بلندمدت نظام اسلامی کمال ضرورت را دارد.

منابع:

- ۱- الخالدون العرب، حافظ قدری طوفان، الحياه، بیروت، ۱۹۷۰
- ۲- فلاسفه الشيعه، عبدالله نعمة، الحياه، بیروت، بی‌تا
- ۳- دانشگاههای بزرگ اسلامی، عبدالرحیم غنیمه، ترجمه: دکتر نورالله کسائی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲
- ۴- تاریخ سرچشمه های اسلامی آموزش و پرورش، مهدی نخستین، ترجمه: عبدالله ظهیری، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۷
- ۵- تاریخ جوامع اسلامی، آیرام لاییدوس، ترجمه: علی‌یختیاری‌زاده، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۱
- ۶- تاریخ عثمانی، وین وو‌سینج، ترجمه: سهیل آذری، کتابفروشی حقیقت، تبریز، ۱۳۴۶
- ۷- سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران، مقصود فراستخواه، خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۸۸
- ۸- در تکاپوی آزادی، حسن یوسفی اشکوری، بنیاد فرهنگی بازرگان، تهران، ۱۳۷۹
- ۹- مجله «کیان»، مجله ماهانه، تهران.
- ۱۰- سیر حکمت در اروپا، محمد علی فروغی، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۸۱
- ۱۱- روشنفکران ایرانی و غرب، مهرزاد بروجردی، ترجمه: جمشید شیرازی، فروزان، تهران، ۱۳۷۷
- ۱۲- مشکل اساسی در سازمان روحانیت، مرتضی مطهری، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۰
- ۱۳- اللقاء بین الحوزه و الجامعه، علامه محمدمهدی آصفی، مجموعه آثار....

و شهرک پایین و جنوبی آن واحدی از کویر نیست. ساختمانهای زیبا، دانشگاهها، خیابانهای وسیع و زیبا، قم و شهرک پردیسان را به صورت شهری علمی و دانشگاهی بین‌المللی درآورده است.

امتیازها و نقصها

اگر انقلاب اسلامی توانست نظام سیاسی کشور را تغییر دهد و ایران اسلامی را به عنوان یک دولت مقتدر تأثیرگذار در سیاست جهانی مطرح سازد، در مجامع سنتی حوزوی نیز نسلی متفاوت از عالمان دینی را تربیت کرد که به جرأت می‌توان گفت: جامع دو فرهنگ اسلام و علوم انسانی معاصرند و بر اثر آن دانشمندان و نویسندگان ماهر و زبردستی تربیت شدند که در عرصه علوم از خلال شبکه‌ها و مجلات، حوزه اسلامی را به دیگر مجامع معرفی می‌نمایند. در کنار این امتیازها، چندین آفت و آسیب نیز وجود دارد که ممکن است رسالت علمی ـ اسلامی را مخدوش سازند:

۱- مدرک گرایی: اگر در جهان سوم کشورهایی چون ایران در قلمرو توسعه جهانی به علوم دست یافتند، اما مدرک‌گرایی و به دست آوردن ورق‌پاره علمی که مقداری تیختر در پی دارد، جا را برای تحقیق و پژوهش ژرف (که در تمدن اسلامی وجود داشت) تنگ کرده. این آفت بعد از انقلاب اسلامی دامن حوزویان را نیز گرفته و تحصیلات حوزوی هم به آفت مدرک‌گرایی گرفتار آمده است.

۲- نهضت ترجمه که امروز در میان نسل جدید حوزویان حاکم است، فی نفسه مفید است و سبب ارتباط حوزویان (از طریق زبانهای بین‌المللی) با جهان و دیگر محافل و مراکز علمی می‌شود؛ اما به تنهایی کافی نیست. زیرا حوزویان در طول سالیان دراز با عربی و ادبیات عرب آشنایی دارند، اما متأسفانه نمی‌توانند عربی بنویسند، مکالمه کنند و سخنرانی نمایند. ضعفی که حتی در میان بزرگان حوزه نیز وجود دارد. اگر امروز طلاب ـ البته نسل نوحاسته ـ با یک زبان بین‌المللی مثلاً انگلیسی آشنایی دارند؛ ولی آن را نیز مانند عربی می‌دانند: نه می‌توانند بنویسند و نه سخنرانی کنند.

ولی زمان امروزه طور دیگری شده است. وجود رسانه‌های بین‌المللی، ماهواره‌ها و اینترنت که اغلب با انگلیسی رسانه‌ای می‌شوند، همه جا را فراگرفته است و از این جهت ضرورت دارد که حوزویان تلاش بیشتری به خرج دهند و نظریات و دیدگاهها و معارف اسلامی را با دییات نوشتاری و گفتاری در اختیار جهانیان بگذارند.

اگر جمله معصوم این بود که از قم علم (علوم آل محمد) به دنیا منتشر می‌شود، این امر فقط در موضوع پرورش طلاب بین‌المللی مثلاً در جامعه المصطفی العالمیه خلاصه نمی‌شود، بلکه ضروری است به وسیله دانشمندان جوان جامع دو فرهنگ در اختیار جهانیان قرار گیرد. بگذریم از اعزام میلغان شایسته که تقریباً از سالها پیش آغاز شده است.

حدود ۱۵۰ سال پیش یک شخصیت علمی مسلمان هندی، یعنی «سر سید احمد خان» در الله‌آباد دانشکده اسلامی علگیره را بنیان گذاشت و جوانان مسلمان را تشویق نمود در آنجا با علوم غربی آشنا شوند و از استادان مغرب زمین چون پروفیسور آربری، توماس آرنولد (مؤلف تاریخ گسترش اسلام) استفاده نمایند. او توانست شخصیت‌هایی همچون علامه اقبال لاهوری را تربیت کند که الهام‌بخش نهضت معنوی قرن بیستم و مؤسس اصلی دولت پاکستان می‌باشد. و یا دکتر ذاکر حسین، استاد جامع در زمینه علم تطبیق ادیان که چندین سال پیش رئیس‌جمهور هند شد و حتی کسانی مانند رادها کریشان، شخصیت برجسته هندو که معنویت شرق را به دنیای غرب رساند و نیز امثال ابوالکلام آزاد، شبلی نعمانی و استاد امیر علی (مؤلف کتاب روح اسلام به انگلیسی: SPIRIT OF ISLAM) را تربیت نمود.

پرورش چنین شخصیت‌هایی امروزه در حوزه علمیه، کمال ضرورت را دارد. البته این افراد تقریباً یک قرن پیش در دنیای اسلام حضور داشتند که به نوبه خود منشأ تحول زیادی شدند و یقیناً اگر حوزه بخواهد چنین کسانی را تربیت نماید، باید روشهای تنگ‌نظرانه‌ای را که به نوعی «خیاری‌گری» را ترویج می‌کند کنار گذاشت و «عقلانیت اسلامی» را در پیش گرفت که علم را توصیه می‌کند: «خذ ما صفا و دع ما کدر».

امروزه امثال شهیدمطهری و شهیدصدر که به مصاف مارکسیسم رفتند، بسیار نادرند. اگر به فرض استاد مطهری و شهیدصدر با یک زبان روز مانند انگلیسی آشنا می‌شدند و معارف اسلامی را در اختیار جهانیان می‌گذاشتند و از محدوده حوزه و حوزویان بیرون می‌آمدند، راستی تحولی

۲- دانشگاه مفید زیر نظر آیت‌الله موسوی اردبیلی در همه زمینه‌های علوم انسانی از طلاب تحصیل کرده و درس خارج و دانشجویان دانشگاهها برای تربیت مدرس و استاد فعالیت می‌کند؛ این مؤسسه علمی را مجامع بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته‌اند؛

۳- دانشگاه مذاهب و ادیان در زمینه مطالعه در زمینه ادیان زیر نظر حجت‌الاسلام نواب دانشجو می‌پذیرد و استاد تربیت می‌کند؛

۴- آموزشگاه‌علوم و معارف اسلامی زیر نظر فعالیتهای دفتر تبلیغات اسلامی؛

۵- آموزشگاه علمی ـ فرهنگی زیر نظر استاد رشاد؛

۶- مؤسسه آموزشی تخصصی علم تفسیر زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی؛

۷- دانشگاه جامعه‌الزهر ا مخصوص دختران طلبه؛

۸- مؤسسه علمی باقر‌العلوم در زمینه علوم سیاسی؛

۹- دانشگاه قم زیر نظر جامعه مدرسین و مدیریت حوزه؛

۱۰- مرکز تحقیقی امام صادق علیه‌السلام (علم کلام) زیر نظر آیت‌الله سبحانی؛

۱۱- جامعه‌المصطفی العالمیه ـ دانشگاه بین‌الملل اسلامی ـ که تربیت طلاب خارج از کشور از همه کشورهای مسلمان را به عهده دارد که پس از فراغت از تحصیل به عنوان استادان دانشگاههای کشورهای خود فرهنگ اسلام و پیام انقلاب را به دنیا برسانند؛

۱۲- نشر و انتشار مجلات علمی ـ تخصصی ـ ترویجی از دیگر آثار با برکت این تحول فرهنگی علمی در حوزه علمیه می‌باشد. مجلاتی تحقیقی مانند: حوزه، نقد و نظر، علوم سیاسی، پژوهشهای تاریخی، معرفت، کلام اسلامی، تبلیغ، موعود، و دهها مجلات علمی ـ تبلیغی دیگر محصول این تحول کیفی حوزه علمیه از آثار با برکت انقلاب اسلامی است.

سنتزی از سنت و تجدد

اگرچه نظام آموزشی سنتی حوزه در زمینه علوم اسلامی، فقه، اصول، تفسیر و... به همت مدرسان حوزوی و مراجع تقلید در سطح درسهای خارج حوزه هنوز برقرار است؛ اما به وجود آمدن مؤسسات علمی تحقیقی و آکادمی‌های علوم انسانی، نسلی از طلاب جوان را تربیت کرده که ترکیبی از سنت فرهنگی اسلامی و علوم معاصر دنیای مدرن هستند. این طلاب و دانشجویان غالباً با یک یا دو زبان بین‌الملی (انگلیسی، فرانسه) آشنایند و با روشهای تحقیقی حاکم در دانشگاهها آشنا و مانوسند و ترجمه‌های زیادی را از منابع خارجی در خلال این چندین دهه بعد از انقلاب انجام داده‌اند.

رساله‌های علمی فراوانی که احياناً در رشته‌های علوم اسلامی و انسانی به عنوان تحقیق یا رساله دکتری به رشته تحریر درمی‌آورند، گهگاه‌مانندستاره‌درخشانی در عرصه کتاب و مطبوعات می‌درخشد و در گزینش «کتاب سال حوزه» بهترین جایزه‌ها را از مدیران علمی حوزه دریافت می‌کنند.

این نسل جدید حوزوی، نسلی از روشنفکران و نواندیشان دینی را نمایش می‌دهند که با مطالعات عمیق و ژرف پاسخگوی سؤالات زمان می‌باشند. این نسل در شبکه‌های ماهواره‌ای مباحث ارزنده‌ای در سطح جهانی مطرح می‌نمایند و در بیشترین مجلات علمی دانشگاهی مقالات پژوهشی عرصه می‌دارند و با راجال علمی و دیگر دانشگاهها به مباحثه و گفتوی علمی می‌پردازند. در مجامع علمی ـ دینی بین‌المللی ـ دنیا، کنفرانسهای جهانی شرکت می‌کنند. صد البته این تحولات کیفی آینده علمی درخشانی را نوید می‌دهد.

قم یک شهر دانشگاهی

اگر دیروز شهر مذهبی قم به عنوان حرم اهل بیت در فرهنگ تشیع مطرح بود و امامان شیعه(ع) آن را به حفظ تشیع مدح و توصیف می‌کردند و زمانی نهاد مرجعیت علوم آل محمد از آنجا ترویج می‌شدو منتشر می‌گردید(منها فیض العلم الی سائر البلدان)، نقش و رهبری انقلاب اسلامی را نیز ایفا کرد. با این همه در دوره پهلوی، شهری توسعه‌نیافته و فاقد ابزار رفاه و آسایش (از جمله بیمارستان‌های مجهز) بود؛ اما امروزه به برکت انقلاب اسلامی و تحولات کیفی، به صورت شهر علمی زنده درآمده است. اگر یک خارجی، یک مسلمان غیر ایرانی، امروزه از قم دیدن نماید، تحول کیفی ـ فرهنگی عمیق را در آن مشاهده می‌کند.

اگر کسی به شهرک پردیسان سر بزند، با گردشی کوتاه، فوراً با مجامع علمی، دانشکده‌های متنوع، چاپخانه‌ها و کتابخانه‌ها روبرو می‌شود. انگار که قم

است که تدوین گنجاندن چنین دروسی، تربیت اساتید و مربیان و مدرسان خاصی را می‌خواست که در رسالت حوزه علمیه بود که آنها را بپروراند و به دانشگاه اعزام نماید. به وجود آمدن دانشگاه معارف اسلامی در ذیل نظام فرهنگی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، معلول چنین حرکت اجتماعی فرهنگی بود.

تأثیر نظام دانشگاهی در فرهنگ حوزه و نظام آموزشی آن

یقیناً هر تحولی در جامعه از طرفی به محیط دیگری اثر می‌گذارد و از جهت دیگر از آن محیط تأثیر می‌پذیرد و فضای فرهنگی جدیدی به وجود می‌آورد. انقلاب اسلامی که بیشتر پیش‌تازان آن از عالمان دینی بودند، بعد از سقوط نظام سلطنتی خواستار تحولات اساسی در نظام حوزوی بودند. شاید سابقه این تحول خواهی از دوره مؤسس حوزه، آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری وجود داشت؛ ولی این دگرگونی یقیناً بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی سرعت بیشتر به خود گرفت. شهیدمطهری که یکی از سردمداران انقلاب اسلامی و از نظریه‌پردازهای آن بود، در مقالاتی در سال ۱۳۴۱ در بحثی در باره روحانیت و مرجعیت نوشت:

«... چرا در گذشته حوزه‌های علمی و روحانی ما از لحاظ رشته‌های مختلف علوم از تفسیر و تاریخ و حدیث و فقه و اصول و فلسفه و کلام و ادبیات حتی طب و ریاضی جامع و متنوع بود و در دوره‌های اخیر تدریجاً به محدودیت گراییده است و به اصطلاح در گذشته به صورت جامع و دانشگاه بوده و اخیراً به صورت «کلیه» و دانشکده «فقه» درآمده و سایر رشته‌ها از رسمیت افتاده است...»

البته این آرزو و درخواست گرچه بعدها در حوزه علمیه مقداری اصلاح گردید و مؤسسه‌هایی نظیر «دارالتبلیغ اسلامی» آیت‌الله شریعتمداری و «در راه حق» استاد مصباح یزدی، تعلیم علوم انسانی را به مقدار نیاز برای طلاب در برنامه خود گنجانند؛ اما آنها تنها آغازگر راه بودند و اگر هم از مخالفتهای عده‌ای چشم‌پوشی نماییم، واقعیت این است که این گامها هرگز نمی‌توانست حوزه علمیه منحصر در آموزش فقه را به صورت دانشگاه جامع درآورد.

نظام حوزوی و رهبر انقلاب که مسئولیت خود را در برابر تحول فرهنگی قرن احساس می‌کردند، ضروری بود که خدمات فرهنگی و اسلام‌آموزی را به دانشگاهها ارائه دهند به خود آمدند، به کمبودها، خلأها، نبود شایستگی‌ها و عدم پاسخگویی به نیازهای زمان به ویژه بعد از انقلاب اسلامی پی بردند و عمیقاً احساس کردند که باید نظام آموزشی حوزه از حالت انحصاری فقه و اصول بیرون آید و متخصصان شایسته‌ای را در زمینه علوم انسانی و اسلامی پرورش دهد. چندین تحول در این زمینه صورت گرفت:

۱- نخست روش آموزشی غیر محدود سنواتی حوزه تغییر یافت و سالهای تحصیلی به اول و دوم و درس خارج تقسیم گردید و هر دوره‌ای در خلال چندین سال محدود گنجانده شد که مجموعاً ۹ سال از عمر طالب علم را به خود اختصاص می‌داد؛

۲- کلاسهای تدریس (به جز درسهای خارج) از مساجد فرعی برچیده شد و در مدارس بزرگی همراه با کلاسهای فراخ‌تر و مجهز که مراجع وقت ساخته بودند، برگزار گردید؛

۳- متون برخی از کتابهای درسی تغییر یافت؛

۴- درسها به صورت واحدهای درسی دانشگاهی درآمد؛

۵- تجدید بنای مدارس سنتی با تجهیز وسائل روز و مدرن ساخته شد (ساختمان دارالشفاء)؛

۶- مدیریت حزه علمیه با همکاری جامعه مدرسین و مراجع تقلید و رهبریت انقلاب به طور سازمان‌یافته همراه با پرورنده‌های تحصیلی طلاب سامان یافت؛

۷- حوزه علمیه برای گزارش فعالیتهای علمی و خدمات تحصیلی و تلاشهای تبلیغاتی صاحب روزنامه «افق حوزه» گردید؛

از طرف دیگر در حوزه علمیه همگام با تحول زمان و با استفاده از استادان دانشگاههای متخصص در زمینه علوم انسانی، چندین مؤسسه آموزشی مانند دانشگاههای مدرن دنیای معاصر به وجود آمدند. مهمترین این سازمانهای علمی ـ فرهنگی ـ آموزشی عبارتند از:

۱- مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) که استاد مصباح یزدی اداره می‌کند و طلاب و دانشجویان متعددی را در زمینه علوم انسانی تربیت می‌کند و مدرک تحصیلی عالی (فوق لیسانس و دکتری) نیز می‌دهد؛

۴ بهشت	◄ شماره ۱۹
فرهنگی	◄ شماره مسلسل ۱۵۱۳
 پست الکترونیکی : besatonline@gmail.com	◄ نیمه اول دی ۱۳۹۴

«شیخ عیسی قاسم» با رفتار مسالمت‌آمیز دیدگاه‌های مخالف را خنثی کرد

حجت‌الاسلام شیخ نعیم قاسم قائم‌مقام دبیر کل حزب‌الله لبنان در چهارمین دوره جایزه جهانی المصطفی(ص) ویژه نکوداشت آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم گفت: امام خمینی(ره) به شیخ عیسی احمد قاسم اعتماد کامل داشت و ایشان را وکیل خویش در بحرین قرار داد و این مسئله مکانت و منزلت شیخ عیسی را می‌رساند. وی عنوان کرد: ما در مقابل شخصیتی قرار داریم که تأثیر‌گذاری مهمی در بحرین دارد؛ کسی که از دور به علمای بحرین می‌نگرد، تصور نمی‌کند که آنها تا این اندازه تأثیر‌گذار باشند، اما شیخ عیسی با تأثیر‌گذاری که در جهان دارد حسادت بسیاری از افراد در جهان را برانگیخته است. قائم‌مقام دبیر کل حزب‌الله لبنان اظهار داشت: ما در مقابل مردمی قرار داریم که ابزارهایی را در بحرین پایه‌گذاری کردند، نخست اینکه دعوت برای اصلاح در بحرین؛ چراکه بحرین اجازه نمی‌دهد از این مسئله بگذریم و براساس تنوعی که در بحرین وجود دارد مستلزم آن است که این اصلاح محکوم به ضوابطی شود که نباید پای‌مان از آن بلغزد.

وی به بیان دومین عنوانی که شیخ عیسی در بحرین فعالیت دارد، پرداخت و گفت: دعوت مسالمت‌آمیز انقلاب در تمام رفتارها، از جمله ویژگی‌های رفتاری شیخ عیسی است. این حرکت در بحرین و جبهه رزمی و جنگی قرار نگیرد و درگیری بین مردم و نظام به‌وجود نیاید؛ چراکه شیخ عیسی معتقد است حرکت سلمی، تأثیر بیشتری دارد. نعیم قاسم تصریح کرد: در کشورهای منطقه دیدیم که بدون در نظر گرفتن توجهات، نه انقلابیون به اهداف خود رسیدند و نه حکومت‌هایشان به آن چیزی که می‌خواستند دست یافتند و به این نتیجه رسیدند که خرابی و هیاهو نصیب آنها شد و نمونه بارز آن کشور لیبی است که حرک‌های نظامی در آن اتفاق افتاد.

وی اظهار داشت: بهترین روش این است که حرکت مسالمت‌آمیز باشد، براساس اعتقاد شیخ عیسی احمد قاسم، حرکت مسالمت‌آمیز بهتر می‌تواند امنیت، آرامش و زندگی را در اداره جنگ‌ها به دنبال داشته باشد، البته حرک‌های مسالمت‌آمیز، حرک‌تهایی سخت‌تر و نیازمند اراده والایی نیز هست.

قائم‌مقام دبیر کل حزب‌الله لبنان گفت: شیخ عیسی توانست با این رفتار بسیاری از دیدگاه‌های مخالف را خنثی کند و افرادی را که راه‌های مختلف پیشنهاد کرده بودند و متناسب با آنچه که نیاز داشت، به راهکار دست یابد و درواقع شیخ عیسی مصداق آیه «حسبنا الله و نعم الوکیل» است.

نعیم قاسم با بیان اینکه شیخ عیسی سعی نداشت که از فداکاری‌ها کم بگذارد، خاطرنشان کرد: شیخ عیسی با استفاده از رفتار مسالمت‌آمیز و فداکاری، به‌رغم توطئه‌های بین‌المللی که نمی‌توانست این حرکت مسالمت‌آمیز را هضم کند، حرکت کند و آنچه در بحرین است، مصداق بارزی برتری رسوا کردن مدعیان حقوق بشر و آزادی است. ادعایی که مدعیان حقوق بشر مانند آمریکا و رژیم‌های استکباری منطقه دارند.

وی گفت: ما مردم خود را برای این تحمل ستایش می‌کنیم. برای اینکه پشت رهبری خودشان بوده و ثابت‌قدم هستند، امید بر پیروزی داریم و از خداوند می‌خواهیم شیخ علی سلمان را و تمام زندانی‌ها را رها بخشد و این مسیر با فداکاری‌ها و ایستادن پشت رهبرشان، شیخ عیسی به پیروزی برسد.

قائم‌مقام دبیر کل حزب‌الله لبنان تصریح کرد: اگر امروز بخواهیم سوّالی برای حاکمان بحرین مطرح کنیم، می‌گوییم با این لجبازی می‌خواهید به کجا برسید؟ اگر شما سال‌های متمادی به این وضعیت ادامه دهید، درواقع لکه ننگی از خود در تاریخ خواهید گذاشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی رئیس جامعه‌المصطفی(ص) العالمیه در چهارمین دوره جایزه جهانی المصطفی ویژه نکوداشت آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم گفت: مقاومت و مجاهدت ملت بزرگ بحرین را به دلیل حضورشان در صحنه و مقاومت مشروع را می‌ستاییم.

وی با اشاره به سالروز ولادت حضرت رسول اکرم (ص) ابراز داشت: پیامبر گرامی اسلام در عصر بسیار تاریک مبعوث شد و هرگاه در سخنان امیرالمومنین دقت کنیم ایشان بسیار عاشقانه و با شور و حماسه از حضرت رسول سخن به میان می‌آورد و بیش از ۴۰ موضع در نهج‌البلاغه وجود دارد که علی (ع) از شأن و نقش پیامبر (ص) سخن گفته است.

رئیس جامعه‌المصطفی(ص)‌العالمیه عنوان کرد:در میان این محورها و نکته‌ها یک نکته ممتاز وجود دارد و آن اینکه حضرت امیر(ع) تاکید می‌کند که وقتی پیامبر مبعوث شد تمام تمدن‌های بشریت به سمت فروپاشی رفته بودند اعم از تمدن‌های ایران، روم، چین، مصر و تمدن‌های حاکم بر آن زمان و همگی در یک بن‌بست قرار گرفته بودند.

وی ادامه داد: همچنین بشریت به لحاظ فکری و اخلاقی، هنگام بعثت رسول اکرم به بن‌بست رسیده بود و نقاطی از جهان هم در نقطه مادون تفکر قرار داشت و خورشید بعثت و تجلی نور پیامبر در چنین بن‌بستی تاریخی انجام شد.

اعرافی تصریح کرد: بحرین یک نقطه درخشان در تمدن اسلامی است و در مقاطع گوناگون حوزه‌های علمیه، بحرین مانند یک نگین می‌درخشد و بسیاری از چهره‌های نورافشان حوزه‌های علمیه از بحرین برخاسته‌اند و امیدواریم حاکمان بحرین بدانند که بحرین از نگین‌های درخشان تمدن اسلامی است.

وی عنوان کرد: بحرین پاره عزیز امت اسلام و قلب

امام جمعه نجف اشرف:

امروز مکاتب مختلف جهان به دنبال «طرح اسلام» هستند

آیت‌الله سیدصدرالدین قبانچی امام جمعه نجف اشرف در مراسم اختتامیه بیست و نهمین کنفرانس وحدت اسلامی، اظهار داشت: سخنانم را در دو محور طرح جهانی اسلام مبنی بر اینکه طرحی که اسلام داده به کجا انجامید و محور دوم چه روش و راهکاری می‌تواند ما را برای تحقق طرح اسلامی آماده کند، بیان می‌کنم.

وی اظهار داشت: ما همگی می‌دانیم اسلام یک دین جهانی است و امروز در همه دنیا هم شاهد برگزاری جشن‌هایی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اکرم(ص) و امام صادق(ع) هستیم، احادیث متواتری داریم که حضرت رسول(ص) فرمودند: زمانی هست که امام امت غایب است و هم‌نام من است و زمانی که برای ظهور تعیین شده تعدیل و تأخیر در آن نیست و همچنین قرآن کریم ما را به ظهور بشارت داده است.

امام جمعه نجف اشرف درباره اینکه طرح «اسلام به کجا رسیده است»، گفت:امروز در فضایی که مکاتب الحادی، کمونیستی و... نتوانستند آرمان‌های خود را عملی کنند، مشاهده می‌کنیم که همه انسان‌ها به دنبال طرح اسلام هستند و به یک نقطه، چشم دوخته‌اند. آنها منتظرند ببینند طرح اسلام چگونه می‌تواند اجرا و پیاده شود.

آیت‌الله قبانچی تصریح کرد: امروز رسانه‌های جهانی درباره داعش سخنی نمی‌گویند و آن را خلافت اسلامی می‌دانند و به این روش می‌خواهند اسلام را زیر سؤال ببرند که این مسئله بسیار خطرناک است و ما باید بدانیم آنها چگونه علیه مسلمانان دست به توطئه می‌زنند.

وی ابراز داشت: ما امروز درحال پیشرفت هستیم، هرچند مصائب و دشواری‌هایی را به همراه داشته است و خداوند متعال در قرآن کریم وعده داده است مقابل مکر دشمنان می‌ایستد.

امام جمعه نجف با بیان اینکه امروز شاهد فداکاری‌های مسلمانان هستیم، گفت: ما باید همگی پیرو امام حسین(ع) که فداکاری بزرگی در راه دین خدا

تپنده معارف الهی است، در عصر ما علما، بزرگان و فضلاء وارسته‌ای از بحرین برخاسته‌اند، همچنین علما در بحرین در متن حرکت‌های مردم و جامعه حضور دارند. رئیس جامعه‌المصطفی(ص)‌العالمیه تصریح کرد: امروز بحرین یک منبع سیال و جوشان است و علمای آن اعلام کرده‌اند حوزه‌های علمیه بحرین در خدمت مردم هستند و در این میان امروز برای تجلیل از شخصیتی گرد هم آمدیم که در ۵ محور قابل تجلیل، اقتدار و اسوه‌ای برای علما و فضلاء حوزه‌ها است.

وی برخورداری از اخلاق نیکو و الهیی را یکی از ویژگی‌های ممتاز ودرخشان شیخ عیسی احمدقاسم برشمرد و گفت: شیخ عیسی یک چهره ممتاز برای حوزه‌های علمیه به شمار می‌رود همچنین جهان اسلام باید به جایگاه علمی این عالم بزرگوار توجه داشته باشد؛ شیخ عیسی یک فقیه ممتاز و مورد اعتنا و اعتماد در حوزه‌های علمیه است که هم شاگرد مکتب نجف بود و هم در قم تحصیلات عالیه داشته و از کرسی تدریس خارج فقه برخوردار بود.

رئیس جامعه‌المصطفی (ص)‌العالمیه عنوان کرد: نقش تبلیغی و مدیریت فرهنگی آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم را نمی‌توان نادیده گرفت. ایشان از جوانی یک مبلغ بود و مهارتهایی داشت که او را به شخصیت اثرگذاری در جامعه تبدیل کرده بود همچنین نقش سیاسی و اجتماعی از جمله دیگر خصوصیات بارز شخصیتی شیخ عیسی است.

وی ادامه داد: ما اسلام را در ذات خود سیاسی می‌دانیم؛ سیاست درست و الهی، شیخ عیسی از همان زمانی که در نجف بود یک عنصر سیاسی اصیل بود که در عرصه‌های گوناگون حضور داشته است، سیاست درست و تأثیر‌گذار و باتوجه به اینکه یک عالم دینی و حوزوی است در عین حال شخصیتی سیاسی دارد که نسبت به سرنوشت ملت خود بی‌تفاوت نیست.

امام جمعه نجف اشرف:

امروز مکاتب مختلف جهان به دنبال «طرح اسلام» هستند

انجام داد، باشیم و اگر ما در این چارچوب و فضا حرکت می‌کنیم باید توجه داشته باشیم به چه اصولی پایبند هستیم. ما نیز باید روش و دستورالعمل خود را نشان داده و با اصول ثابت حرکت کنیم.

آیت‌الله قبانچی با تأکید بر اینکه ما باید بدانیم در دنیا هدف ما آزاد کردن ملت‌هاست و این پیام اسلام است، عنوان کرد: می‌خواهیم اراده و خواست ملت‌ها را محقق کنیم و جمهوری اسلامی از همان ابتدا بر همین اساس بوده و می‌بینیم که خداوند چه برکاتی بر امت ایران نازل کرده است. وی امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای را نعمت بزرگی برای جهان اسلام برشمرد و گفت: ملت‌ها باید اراده خویش را به کار ببندند و به ارزش‌های والای اخلاقی خویش تکیه کرده و بدون کوچک‌ترین ترسی با تمسک به ارزش‌های اسلامی و اخلاقی پیش بروند.

امام جمعه نجف اشرف اظهار داشت: ما باید با استفاده از امکاناتی که در اختیار داریم براساس دستورات خداوند و رسول پیش برویم؛ خیلی‌ها سوّال می‌کنند که شما به کجا خواهید رسیدو مادر پاسخ می‌گوییم حضرت موسی هم‌وقتی در برابر فرعون ایستاد، یارانش اعتراض کردند، حضرت فرمود خداوند است که راه را به ما نشان می‌دهد، لذا دیدید که چه تهدیداتی علیه‌امام خمینی(ره) و جمهوری اسلامی شد.

آیت‌الله قبانچی خاطرنشان کرد: ما باید مؤلفه‌های ایران را بیابیم و به آنها تمسک جوییم؛ چراکه امروز ایران براساس ارتباط با خدا و رهبری داهیهانه ولایت فقیه توانسته است بر دشمنان پیروز شده و حتی یک ذره از خواست خود پایین نیامده، بنابراین هرچه ارتباط با خدا مستحکم‌تر باشد، موفق‌تر خواهیم بود.

وی گفت: تمسک به اهل‌بیت(ع) باعث می‌شود خداوند هیچ‌گاه مسلمانان را در حال خود رها نکند و مطمئن باشید که داعش نفس‌های آخر خود را می‌کشد. بنده به‌عنوان یک نفر از ملت عراق تأکید می‌کنم ما به اندازه کافی رزمنده داریم و فرد فرد آحاد ملت عراق رزمنده‌اند.

مقاومت «آیت الله شیخ عیسی قاسم» در کنار جوانان بحرینی ستودنی است

اعرافی خاطرنشان کرد: در کنار شیخ عیسی احمد قاسم از همه علمای بزرگ بحرین و عزیزانی که امروز در سختی‌ها و در زندان‌ها زندگی می‌کنند تجلیل می‌کنیم، طلاب و علمایی که برای ملت بحرین تلاش می‌کنند مورد تکریم و تجلیل ما قرار دارند و از همه بالاتر ما ملت رشید بحرین را تجلیل می‌کنیم؛ نهضتی که امروز به صورت آرام، منطقی و مسالمت‌آمیز در بحرین دنبال می‌شود مورد تجلیل ما است.

وی گفت: مقاومت شیخ عیسی در کنار انبوه جوانان و ملت شریف بحرین ستودنی است، یک مقاومت کم نظیر از خود نشان داد، آفرین بر شما مردم شریف و عزیز بحرین.

رئیس جامعه‌المصطفی (ص)‌العالمیه با اشاره به وضعیت تاسف‌بار جهان اسلام ابراز داشت: امروز امت اسلام در حوادث بسیار سختی قرار گرفته است و روح حوادث، رویارویی تمدنی اسلام با تمدن مادی‌گرای غرب است و همه آنچه که در عرصه اسلام می‌بینیم یک نقشه پشت آن قرار دارد و آن اینکه حرکت مسلمان‌ها به جنگ‌های نژادی و مذهبی تبدیل شود.

وی ادامه داد: تلاش اصلی استعمارگران این است که به جنگ و مسیحیت، جنگ شیعه و سنی، جنگ فارس و عرب را به جنگ‌های دروغین باطل و پوچ برگردانند. به صراحت اعلام می‌کنیم که ما در میدان هیچ یک از جنگ‌ها حضور پیدا نکرده‌ایم و حرکت عراق، بحرین، یمن و تمام جهان اسلام در واقع در برابر ظلم و ستم است.

اعرافی در پایان گفت: دشمنان تلاش دارند جنگ را از معیار ظالم و مظلوم و تمدن اصیل اسلامی با تمدن غربی، به سمت میدان دیگر هدایت کنند که خوشبختانه جریان‌های مقاومت اصیل، متوجه این موضوع شده و همه تلاش خود را به کار می‌بندد تا از میدان‌های فرعی خارج شوند.

نماینده حضرت آیت الله سیستانی:

مقابله با گروه‌های تروریستی راه حلی جز وحدت ندارد

«حجت الاسلام سید مرتضی کشمیری» نماینده حضرت آیت الله سیستانی در اروپا در مراسم جشن ولادت حضرت محمد (ص) و امام صادق (ع) که درمؤسسه امام علی (ع) لندن برگزار شد، به آخرین تحولات منطقه اشاره کرد و گفت: پیروزی رزمندگان عراقی و آزادسازی شهر الرمادی از لوث جریان تروریستی داعش، برگرفته از تمسک به نبی اکرم (ص) بوده است. وی افزود: به امید خداوند آزادی شهر رمادی مقدمه‌ای برای آزادکردن همه سرزمینهای اشغالی عراق از دست تروریسم خواهد بود.

نماینده حضرت آیت الله سیستانی در اروپا خاطرنشان کرد: عراق در حالی دارای قومیت‌های مذهبی مختلف است که جنگ‌های اخیر مجاهدان با تروریسم نشان دهنده وحدت و یکپارچگی آنان در مقابله دشمنان به شمار می آید.

وی با اشاره به آیه ۷ سوره محمد (ص) **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَصَرَّوْا لَله تَصْرُكُمْ وَيُثْبِت أَقْدَامُكُمْ**، افزود: دشمنان و برخی از افراد درحالی در داخل عراق درپی شعله ور کردن آتش فتنه و نفاق هستند که در میدان جنگ هیچ فرقی بین شیعه، سنی، کرد، عرب و ترکمن نیست و همه با شعار «الله اکبر» در پی زنده نگه داشتن عراق هستند.

کشمیری خواهان وحدت کشورهای اسلامی شد و تصریح کرد: جریان‌های تروریستی و تکفیری مانند غده سرطانی به جان کشورهای منطقه افتاده‌اند و هیچ راه حلی جز وحدت اسلامی در مقابله با آنان وجود ندارد.

وی تأکید کرد: ما باید به خوبی بدانیم که اگر حمایت و راهنمایی مراجع تقلید در نجف اشرف و دعای شبانه روزی آنان نبود، هیچ گاه به این پیروزی‌ها نمی رسیدیم. نماینده حضرت آیت الله سیستانی در اروپا خواستار جهاد نفس و رعایت اصول اخلاقی شد و اظهار داشت: نیروهای امنیتی، بسیج مردمی، عاشر و رزمندگان عراقی خود را برای آزاد سازی کامل عراق از لوث تروریسم آماده کنند

نامه آیت الله نمر به مادرش پس از شنیدن حکم اعدام

شیخ نمر، پس از شنیدن این حکم، نامه ای به مادرش نوشت، و ضمن سپاسگزاری از خداوند، تاکید کرده بود که تسلیم خواست خداست. متن نامهٔ شیخ شهید از این قرار است:

«ام جعفر، مادرِ صبورم، خدا را در همه حال سپاس می گویم. خدا به خاطر هر آن چه برایمان نوشته است، شکر کن. آن چه خدا برای ما مقدر می دارد، از آن چه ما برای خود می خواهیم بهتر است؛ و آن چه او برای ما بر می گزیند، از آن چه ما برای خود اختیار می کنیم بهتر است. ما چیزی برای خودمان می خواهیم و خدا چیزی دیگر برای ما می خواهد، اما انتخابی که خداوند برای ما می کند، پسندیده تر است. ما وقتی چیزی را می خواهیم می گوییم خدایا، آن چه نزد تو بهتر است را برایمان مقدر کن.

همه امور و خلائق، در قبضهٔ خدای تبارک و تعالی هستند و هیچ کس نمی تواند بدون خواست خدا، قدم از قدم بردارد، هیچ چیزی از چشم خدا پنهان نمی ماند و هیچ کاری از حیطه ارادهٔ خدا خارج نیست، بنابراین مادر، همین کفایت می کند. تا وقتی که همه امور، از چشم خدا پنهان نمی ماند و هیچ کاری از حیطه ارادهٔ او خارج نیست، همین مسأله، ما را بس است. تو را به خدا می سپارم و از او می خواهم تو را نگه دارد. خداحافظ تو و همه.

عزیزت، شیخ نمر النمر

مذاهب اسلامی و اصلاح شیوه های آموزشی و متون درسی کنونی حاکم بر عربستان سعودی اشاره می کرد. رژیم آل سعود به جرم این حق طلبی و حق جویی که هیچگونه مدرکی دال برتحریک و یا بکار گیری اسلحه و خشونت علیه دستگاه حاکم نداشت، بناحق ایشان را به اعدام محکوم کرد و سرانجام به شهادت رسانید.

این اقدام دژخیمانه رژیم عربستان سعودی، بر خلاف عرف بین المللی و مبانی حقوق بشری بوده، برای تلافی شکست های مفتضحانه در صحنه سیاسی و نظامی و اقتصادی انجام شده است؛ اقدامی که برای سرپوش نهادن بر جنایات وحشتناک این رژیم در کشتار مردم ستمدیده یمن و بمباران زیر ساختها، بیمارستانها، مدارس و خانه های مردم مظلوم یمن و مخفی کردن حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی و کمکهای تسلیحاتی به جریانهای تکفیری ، تروریستی در سوریه و عراق و سایر مناطق جهان، صورت گرفته است.

مجمع جهانی اهل بیت(ع) به حکم وظیفه شرعی قانونی و انسانی خود، ضمن محکومیت شدید و مجدد اقدامات جائزانه، ضد اسلامی و ضد بشری حکام ستم پیشه آل سعود، نگرانی عمیق خویش را نسبت به این عمل مجرمانه اعلام داشته و از سازمانهای بین المللی و آزادیخواهان و حق طلبان جهان بویژه علمای مسلمان درخواست می نماید تا این جنایت هولناک را محکوم نمایند و در قبال آن واکنش نشان دهند.

دولت های جهان و حتی رژیم های غیر اسلامی وسکولار برای علماء و دانشمندان خود حرمتی قائلند و این اقدام جنایتکارانه نشان داد که آل سعود هیچ حرمتی برای علماء و حتی عموم مسلمانان جهان قائل نیست.

بدون تردید اعدام شیخ نمر جنایتی است که عواقب گسترده ای را در پی خواهد داشت و مردم آزاده و عدالت خواهان جهان در قبال این جنایت رژیم سفاک آل سعود ساکت ننشسته و این عمل سفاکانه را بدون پاسخ نخواهند گذاشت و درس عبرت آمیزی به جانیان آل سعود خواهند داد.

وسیعلم الذین ظلموا اَیّ منقلب ینقلبون

مجمع جهانی اهل بیت(ع)

۱۲دیماه ۱۳۹۴ هجری شمسی

شهادت آیت الله نمر و پیام های مراجع تقلید در محکومیت جنایت آل سعود

سایر شهیدان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

و سَیَعْلَمُ الذِّینَ ظَلَمُوا اَیّ مَنقَلَبٍ ینقلبونَ
۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۷

لطف الله صافی

بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در محکومیت اعدام شهید النمر

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در بیانیه ای اقدام رژیم آل سعود در اعدام شیخ باقر النمر را محکوم کرد.

در این بیانیه با اشاره به آیات«اِنَّ الذِّینَ یَکْفُرُونَ بِبَآئِیَتِ اللّٰهِ وَ یَقْتُلُوْنَ النَّبِیَّیْنَ بِغَیْرِ حَقٍّ وَ یَقْتُلُوْنَ الذِّینَ یَاْمُرُوْنَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ اَلِیْمٍ؛ اُولَئِکَ الذِّینَ حَبَطَتْ اَعْمَلُهُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَّصْرِیْنَ» آمده است: اقدامات ستمگران آل سعود در قتل مردان پاک جزیره العرب و رهبران دینی و سیاسی آن و در راس آنها علامه کبیر و مظلوم شهید باقر النمر را محکوم می کنیم.

این بیانیه می افزاید: تنها گناه این عالم بزرگ و این شهدا، تلاش برای برقراری قسط و عدل و دعوت به امر به معروف و نهی از منکر و فساد و ظلم بود.

در ادامه این بیانیه آمده است:خداوند متعال در قرآن کریم ستمگران و جنایتکاران ظالم را به عذابی دردناک در دنیا و آخرت وعده داده است و این سرنوشتی است که در انتظار ستمگران آل سعود در آینده نزدیک خواهد بود؛ و عبرتی خواهد بود برای سایر ظالمانی که با دلارهای نفتی در کنار این جنایتکاران هستند و در جنایتهای آنها در یمن، عراق، سوریه، لیبی و... شریک هستند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با دعوت از جهان اسلام برای تشکیل صفی واحد در برابر جنایتکاران سعودی، تاکید می کند: آنان تنها در راستای ایجاد تفرقه بین مسلمانان و گسترش فتنه در بین فرزندان امت واحده اسلامی می کوشند؛ از جهان اسلام می خواهیم امت اسلامی را نسبت به حبله ها و نقشه های ویرانگر آنان آگاه سازند.

در پایان این بیانیه تاکید شده است:از خداوند متعال می خواهیم شر دشمنان را از کشورهای اسلامی دور ساخته و به عزت و وحدت مسلمین بیفزاید.

اعلام انزجار مجمع جهانی اهل بیت(ع) از جنایت جدید آل سعود در اعدام شیخ النمر

به گزارش خبرگزاری اهل بیت(ع) – ابنا – در پی اجرای حکم ظالمانه اعدام «شیخ نمر باقر النمر» روحانی زندانی عربستانی، مجمع جهانی اهل بیت(ع) بیانیه ای صادر کرد.

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ یُقْتَلُ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ اَمْوَاتٌ بَلْ اَحْیَاءٌ وَلَکِنْ لَا تَشْعُرُونَ ؛ کسانی را که در راه خدا کشته می شوند مرده نخواهید بلکه زنده‌اند ولی شما نمی دانید. «سوره بقره — آیه ۱۵۴»

رژیم خودکامه و ستمگر آل سعود درادامه سیاست های جائزانه وسرکوبگریانه خویش و در اقدام غیر قانونی دیگری، عالم مجاهد و نستوه حضرت آیت الله شیخ نمر النمر را به شهادت رسانید.

آن شهید بزرگوار در طول حرکتهای مسالمت آمیز و حق طلبانه خویش هرگز به سلاح و زور متوسل نگردید و همواره در سخنرانی های روشنگرانه خویش ازاعمال سیاست های تبعیض آمیز طایفه ای سازمان یافته ومنظم بویژه در مناطق شرقی عربستان و بخصوص در دو منطقه «الاحساء» و «القطیف» که حدود یک قرن در این مناطق وجود داشت انتقاد می کرد.

شیخ نمر، توهین به کرامت شهروندان حجازی بویژه پیروان اهل بیت(ع) (این کشور که در نظر رژیم آل سعود، شهروندان درجه دو این کشور به شمار می آیند و فاقد هرگونه حق و حقوق شهروندی هستند مردود دانسته و خواهان برابری با حقوق همه شهروندان بود و بر لزوم انتخابات آزاد و رسیدگی به وضعیت قیور ائمه مظلوم قبیع و به رسمیت شناختن مذهب تشیع بعنوان یکی از



جنایت تحت عنوان خوارج و تکفیر صورت گرفت؛ اگر

کسانی تاکنون تردید داشتند که کانون فتنه و تکفیر در جهان، آل سعود هستند با این نمونه آشکار جای تردیدی باقی نماند.

ما به شدت این جنایت هولناک را محکوم می کنیم و به یقین انتقام آن گرفته خواهد شد و می دانیم این جنایت انتقام شکست هایی است که آل سعود در عراق و سوریه و یمن دامنگیرشان شده است، ولی باید در انتظار شکست های مهم تری در این سه منطقه باشند.

به یقین این جنایت، بدون اطلاع آمریکا نبوده است، آنها در مسائل کم اهمیت تری با نظر آنها اقدام می کنند و می دانیم در راستای ایجاد جنگ طائفه ای میان سنی و شیعه است، اما هم سعودی ها و هم آمریکا کور خوانده اند، ما با برادران اهل سنت اختلافی نداریم، اختلاف ما با تکفیری هاست که همه مسلمین در برابر آنها اتفاق نظر دارند.

آل سعود بدانند این جنایت فراموش نشدنی است و آثار این کار ناپذرانه را در آینده خواهند دید.

نه تنها شیعیان جهان و اهل سنت این جنایت را شدیداً محکوم می کنند، بلکه تمام آزادگان دنیا نیز آن را محکوم خواهند کرد.

آنها چه گناهی داشتند، قیام مسلحانه کردند؟! کسی را کشته بودند؟! تنها گناهشان این بود که می گفتند اقلیت شیعه در عربستان سعودی از حقوق حقه خویش باید برخوردار شوند و برای انجام مراسم مذهبی آزاد باشند. آیا این گناه است و در خور آن جنایت سنگین.

ان ربک لبالمرصاد

ناصر مکارم شیرازی

آیت الله صافی:

آل سعود راه و رسم جنایتکاران بزرگ تاریخ را دنبال می کند

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در پیامی اعدام شیخ نمر، رهبر شیعیان عربستان را محکوم کرد.

بر اساس این گزارش، در متن این پیام آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم
و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطانا
با کمال تأسف و تأثر مطلع شدیم که رژیم سفاک و خون آشام سعودی، بار دیگر طینت جنایتکارانه ی خود را نشان داد و یکی از زندگان بی گناه، مظلوم و آزاده را با تعداد دیگری از ستمدیدگان به شهادت رساند. رژیمی که با نوشتن خون پاک مظلومان و آزادگان خود را سیراب نموده و راه و رسم جنایتکاران بزرگ تاریخ را دنبال می نماید.

شهادت عالم آزاده، روحانی عالی مقام، شهید بزرگوار شیخ نمر رضوان الله تعالی علیه روی سیاه این رژیم را سیاه تر و خبث و پلیدی باطن آنها را آشکارتر نمود.

انا لله و انا الیه راجعون

حکام آل سعود که ان شاء الله تعالی سقوط آنان نزدیک است بدانند که خون به ناحق ریخته ی این روحانی شهید، خواب راحت را از آنان سلب نموده، جهان اسلام را بیدار کرده و راه سقوط را برای این رژیم هموار خواهد نمود. مسلماً این جنایت ددمنشانه را آزادگان دنیا و مجامع آزاد بین المللی محکوم خواهند نمود و فریاد مظلومیت این شهید بزرگوار به گوش جهانیان خواهد رسید.

اینجانب به جهان اسلام و مردم غیور و مسلمان عربستان که از ستم و جنایات رژیم سفاک خود خسته شده اند و به خانواده ی بزرگ و داغدار این شهید بزرگوار تبریک و تسلیت گفته، ترفیع درجات این شهید سعید و

ادامه از صفحه اول

پیام حضرت آیت الله روحانی به مناسبت شهادت شیخ نمر

به گزارش خبرگزاری اهل بیت(ع) – ابنا – حضرت آیت الله سید محمد صادق روحانی به مناسبت اعدام شیخ نمر باقر النمر با ارسال پیامی ضمن محکومیت این جنایت رژیم آل سعود بیان کردند: حاکمان عربستان سعودی با اعدام شیخ نمر النمر دست به جنایت بزرگ دیگری زدند. حاکمان ستمگری که برای شهروندان خود کمترین حقوق انسانی و دینی و مدنی را قائل نیستند. همانا اعدام او دلیلی نداشت جز اینکه او کلمه حق را بر روی این ستمگران فریاد زده بود. اعدام انسان های بی گناه در سالروز ولادت پیامبر عظیم انسانیت در کنار مجرمان، عواقب آن را چندین برابر می کند و سطح انحطاط آن حکام و میزان فساد اخلاقی و رفتاری آنان را به خوبی نشان می دهد. آنان نمی توانند از مجازاتی که دیر یا زود دامنشان را خواهد گرفت بگریزند، و آن خون های پاک به کابوسی بدل خواهد شد که قاتلان را تعقیب می کند و لکه تنگی خواهد بود که تا دنیا دنیاست بر پیشانی شان خواهد ماند. (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَیْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِی الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِیْعًا)

پیام این مرجع تقلید شیعیان به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم
(وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِیْهِ سُلْطٰنًا فَلَا یُسْرِفُ فِی الْقَتْلِ اِنَّهٗ كَانَ مُنْصَوِّرًا) صدق الله العلی العظیم
حاکمان عربستان سعودی با اعدام شیخ نمر النمر دست به جنایت بزرگ دیگری زدند. حاکمان ستمگری که برای شهروندان خود کمترین حقوق انسانی و دینی و مدنی را قائل نیستند. همانا اعدام او دلیلی نداشت جز اینکه او کلمه حق را بر روی این ستمگران فریاد زده بود. اعدام انسان های بی گناه در سالروز ولادت پیامبر عظیم انسانیت در کنار مجرمان، عواقب آن را چندین برابر می کند و سطح انحطاط آن حکام و میزان فساد اخلاقی و رفتاری آنان را به خوبی نشان می دهد. آنان نمی توانند از مجازاتی که دیر یا زود دامنشان را خواهد گرفت بگریزند، و آن خون های پاک به کابوسی بدل خواهد شد که قاتلان را تعقیب می کند و لکه تنگی خواهد بود که تا دنیا دنیاست بر پیشانی شان خواهد ماند. (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَیْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِی الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِیْعًا)

قم ۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۷

محمدصادق حسینی روحانی

آیت الله شبیری زنجان:

ریختن خون مظلومان ثمره ای جز سقوط ظالمان ندارد

حضرت آیت الله شبیری زنجان با انتشار پیامی ضمن محکوم کردن کشتار تصاددی از شیعیان به خصوص شیخ نمر به دست رژیم سعودی، این جنایت را نشان دهنده مظلومیت اسلام در سرزمین وحی دانستند. متن پیام این مرجع تقلید بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
وَسَیَعْلَمُ الذِّینَ ظَلَمُوا اَیّ مَنقَلَبٍ ینقلبون
خبر اعدام « شیخ نمر» و تعدادی دیگر از بی گناهان موجب تأثر و تأسف گردید.

بی شک، ریختن خون مظلومان ثمره ای جز سقوط ظالمان ندارد و چه ظلمی بالاتر از ظلم بر کسی که یآوری جز خدای متعال ندارد؟

به شهادت رساندن موالیان اهل بیت علیهم السلام و دیگر جنایات آل سعود، نشان از مظلومیت شدید اسلام و تشیع در سرزمین وحی دارد.

این جانب ضمن محکوم کردن این جنایت، مصیبت وارده را به ساحت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»، مسلمانان جهان خاصه شیعیان ستمدیده عربستان تسلیت می گویم و برای آن مرحوم رضوان الهی را مسألت دارم.

سید موسی شبیری زنجان

۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۷

آیت الله مکارم شیرازی:

جای هیچ تردیدی نیست که آل سعود کانون فتنه تکفیر در جهان است

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در پیامی جنایت وحشتناک آل سعود مبنی بر اعدام شیخ نمر را محکوم کرد. در متن این پیام آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا الیه راجعون

خبر وحشتناک اعدام آیت الله شیخ نمر جهان اسلام را در بُهت و تعجب فرو برد، به خصوص اینکه این

سید قطب؛ نظریه پرداز مصلح یا رهبر فکری افراط گرایان؟

همواره در تاریخ کسانی بوده‌اند که ندای آزادی و عدالت‌خواهی سر داده و به مؤلفه هایی پرداخته‌اند که حتی نزد جوامع سکولار نیز احترام و ارزش بالایی دارد. در جهان اسلام نیز، گاهی کسانی برخاسته‌اند و با سر دادن ندای اصلاح، نگران لغزش جامعهٔ اسلامی، در هیاهوی پیشرفت‌های جهان مدرن بوده‌اند. این افراد با دیدگاه‌های موافق و مخالف روبه‌رو و حتی گاه متهم شده‌اند که به یک گروه خاص از جریان‌های اسلامی یا افراط‌گرا وابسته‌اند!

سید قطب یکی از مبارزانی است که شاید زندگی پرفراز و فرود او، به خوبی، گویای تکامل روحی، عقلی، احساسی و عقیدتی او باشد؛ کسی که همانند بسیاری از افراد، در خانواده‌ای مسلمان به‌دنیا آمدو شناسنامه‌ای اسلامی داشت و حتی در ده سالگی نیز حافظ کل قرآن بود، اما همین شخص مدتی طولانی را صرف درک عمیق و شناخت کافی از اسلام کرد تا جایی که جانش را نیز بر سر راه عقیده‌اش گذاشت. او پس از گذراندن دورهٔ حبس و تحمل شکنجه‌های بسیار در دولت وقت مصر، به اعدام محکوم شد.

امروزه، آثار و مقالات وی در سراسر جهان منتشر می‌شود؛ البته همچنان، چاپ کتاب‌های او در عربستان، که زمانی بسیاری از بزرگان اخوان المسلمین و هواداران سید قطب برای رهایی از فشارها به آنجا پناه برده بودند، ممنوع است و آثارش در کتابخانه‌ها و مراکز آموزشی یافت نمی‌شود. اگرچه سید قطب هنوز موافقان و مخالفانی دارد و برخی آثار و اندیشه‌های او را سبب شکل‌گیری جریان‌های افراطی اخیر در جهان اسلام و وی را به نوعی نظریه‌پرداز افراط‌گرایان می‌دانند، بی شک واکاوی دقیق و نقد منصفانه آثار و دیدگاه‌های او بخشی از این ابهامات را برطرف می‌نماید.

ضرورت این امر، کانون اندیشهٔ جوان را بر آن داشت تا در همایشی با عنوان «آنان که می‌اندیشند» آرا و آثار سید قطب، مطرح‌ترین چهرهٔ مبارز و صاحب اندیشهٔ اصلاحی در جهان اهل تسنن، را با حضور صاحب‌نظران موافق و مخالف و منتقد نقد و بررسی کند. البته پیشینهٔ برگزاری همایش‌هایی از این دست توسط کانون، با هدف نقد و بررسی آرای اندیشمندان جهان به سال ۱۳۸۴ باز می‌گردد که نخستین آن درباره نقد و بررسی اندیشه‌هایی میشل فوکو و در ادامه مارتین هایدگر، جان رالز، سید حسین نصر، سید احمد فردید و… بود.

همایش بررسی دیدگاه‌های سید قطب چندی قبل در دانشگاه تهران برگزار شد و شخصیت‌های صاحب نامی همچون آیات و حجج اسلام خسروشاهی، رشاد، پارسانیا، رهدار، فیرحی و استادانی مانند رحیم پور، نجفی و توکلی نیز در بین میهمانان حضور داشتند.

زینب سادات جلالی – مجله زمانه

اشاره: پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، روحانیان و دیگر نیروهای مذهبی به ترجمهٔ آثار اندیشمندان عرب‌زبان روی‌آوردند. در این میان، آثار سید قطب به قدری توجه مترجمان انقلابی را به خود جلب کرد که در دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰، بسیاری از آثار او به فارسی ترجمه شد. سیدهادی خسروشاهی کسی است که می‌تواند به بسیاری از پرسش‌های ما دربارهٔ چرایی و چگونگی توجه به آثار سید قطب و ترجمه و نشر آنها در ایران پاسخی مستند بدهد. او از پیشگامان طرح و شناخت سید قطب و آثارش در ایران به شمار می‌آید؛ از همین رو پای سخنان ایشان نشستیم که حاصل آن در ادامه تقدیمتان می‌شود.
محمود کولی‌وند

جناب آقای خسروشاهی، چرا در دههٔ ۱۳۴۰، جنبشی برای ترجمهٔ آثار سیاسی – اجتماعی عربی صورت گرفت؟ چرا مترجمان به سراغ آثاری نرفتند که بر اساس مکتب اهل بیت (ع) جریان‌سازی می‌کرد؟

در آن دوره از تاریخ میهن ما از یک سو، جوان

معاصر می‌خواست در کنار آگاهی از مکتب‌های فکری دنیا، به عمق اندیشهٔ اسلامی در مسائل گوناگون نیز پی ببرد و از سوی دیگر، ترجمه و نشر گستردهٔ ادبیات مادی – اعم از مارکسیستی و یا نیهیلیستی غربی – سبب شده بود که نسل جوان به نوعی «بحران فکری» دچار شود. در این شرایط ویژه، طلاب جوان و افراد اهل فضل در حوزه‌های علمیّه قم، مشهد و تهران، به ترجمهٔ آثار مفید از متفکران و نویسندگان جهان اسلام، به‌ویژه مصر و پاکستان، روی آوردند و برای جبران کاستی‌ها، در مدت زمان کوتاه، به ترجمه و نشر آثاری در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پرداختند که در برطرف کردن ابهامات دینی نسل جوان نقش مهمی داشت و با استقبال زیادی روبه‌رو شد.

ضرورت سرعت نشر ادبیات اسلامی، در برابر هجوم گستردهٔ ادبیات مادی، باعث شد که مترجمان خود به طور مستقیم کتاب‌های جریان‌ساز بر اساس مکتب اهل بیت (ع) را تلوین نکنند و دست به ترجمهٔ آنها بزنند. علاوه بر این، محتوای کتاب‌ها و آثار ترجمه‌شده اغلب با آموزه‌های مکتب اهل بیت (ع) هماهنگ بودند و اگر در موردی هم اختلاف نظر و دیدگاه پیش می‌آمد، توضیحات مترجمان در پاورقی‌ها این مشکل را برطرف می‌ساخت. مانند کاری که مادر ترجمهٔ کتاب «العدالة الاجتماعية فی الاسلام؛ عدالت اجتماعی در اسلام» سید قطب، انجام دادیم و اختلاف دیدگاه در مسائل فقهی یا تاریخی را با توضیح در پاورقی روشن کردیم.

در میان آثار مختلف، چرا به ترجمهٔ آثار اخوانی‌ها، به‌ویژه سید قطب و برادرش محمد قطب، بیشتر توجه شد؟

زیرا آثار این دو متفکر مسلمان مصری، در زمینه‌های مختلف قرآنی، اجتماعی، سیاسی، فکری و فرهنگی، غنی‌تر از اغلب آثار چاپ شده در آن دوران بود. همچنین، سید قطب، به عنوان نظر به‌پرداز سازمان اخوان‌المسلمین، تأثیر خاصی در بین نسل جوان داشت و آنها برای سید قطب به مثابهٔ پایه‌گذار فکری اندیشهٔ اخوانی، که یک تشکل و سازمان سیاسی فراگیر در کشورهای عربی – اسلامی بود، اهمیت ویژه‌ای قائل بودند.

آیا از نویسندگان دیگر نیز آثاری در این زمینه ترجمه شد؟

بله، علاوه بر این دو شخصیت مصری، آثار اسلامی برخی از دیگر نویسندگان عرب و یا غیرعرب نیز به زبان فارسی ترجمه و منتشر شد. می‌توان به ترجمهٔ ده‌ها رساله از مرحوم مولا ابوالاعلی مودودی اشاره کرد که توسط این‌جانب و آیت‌الله ابراهیم امینی و استاد سید غلامرضا سعیدی و دیگران ترجمه و منتشر گردید. علاوه بر این‌ها آثاری هم از عبدالفتاح عبدالمقصود، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد غزالی، شیخ ابوالحسن ندوی، مالک بن نبی، مصطفی محمود، ترجمه و به چاپ رسید البته، بعداً و به تدریج آثار شخصیت‌های برجستهٔ حوزه شیعی نیز، مانند آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر، علامه آیت‌الله سید محمدحسین فضل‌الله، آیت‌الله شیخ محمدمهدی شمس الدین، آیت‌الله شیخ محمدمهدی آصفی، آیت‌الله‌سیدعبدالحسن شرف‌الدین و آیت‌الله‌آل‌باسین ترجمه‌شود و دسترس علاقمندان قرار گرفت، تا آنکه بعدها، شخصیت‌های فرهیختهٔ حوزوی ایران و عراق با تألیف و نشر آثار خود، موضوع را تکمیل نمودند.

ترجمهٔ آثار سید قطب چه تأثیری بر روند انقلاب اسلامی داشت و بین نیروهای انقلابی با چه واکنشی روبه‌رو شد؟

بی‌تردید، محتوای این آثار در تکامل اندیشهٔ جوانان هوادار انقلاب اسلامی نقش اساسی داشت و با بازخورد خوب محافل و عناصر انقلابی روبه‌رو شد. برخی از آنها، مانند رسالهٔ «ما چه می‌گوییم؟» و «عدالت اجتماعی در اسلام» از سید قطب، که از نوع حکومت اسلامی سخن می‌گفت، سازندهٔ اندیشهٔ انقلاب و تشکیل نظامی اسلامی میان نیروها بود و حتی در بعضی از محافل و حوزه‌های حزبی – سازمانی اسلام‌گرا، کاربرد آموزشی داشت.

در افغانستان نیز، ترجمه‌های ما به طور گسترده‌ای منتشر می‌شد و شهید برهان‌الدین ربانی، رهبر جماعت اسلامی افغانستان، و شهید شیخ منصور، رئیس حرکت

چرا سید قطب؟

گفت و گو با استاد سید هادی خسروشاهی

اسلامی افغانستان، به من نقل کردند که کتاب «ما چه می‌گوییم؟» در واقع، بیانیهٔ حزب آن‌ها بوده و مجاهدین، در جبهه‌های جنگ علیه اشغالگران شوروی، به عنوان یک سلاح فکری از آن استفاده می‌کردند و دانشجویان دانشگاه‌های کشور، به‌ویژه کابل، از این کتاب بهرهٔ فکری می‌گرفتند. البته اگر مأموران امنیتی کمونیست نسخه‌ای از آن را نزد کسی پیدا می‌کردند، بین شش ماه تا یک سال به زندان محکوم می‌شد.

به هر حال، نمی‌توان نقش این آثار و کتاب‌ها را نادیده گرفت و مسئولان و رهبران سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی، در داخل و خارج، نیز به این امر گواهی می‌دهند.

از نظر شما، بین آثار ترجمه‌شده از سید قطب کدام کتاب‌ها مهم‌تر بود و برای نیروهای انقلابی سود بیشتری داشت؟

در واقع بیشتر آثار ترجمه‌شده از سید قطب ارزشمند، تأثیر‌گذار و مفید بود؛ اما به نظر من، کتاب‌های «عدالت اجتماعی در اسلام»، «سلام و صلح جهانی»، «پنده در قلمرو اسلام»، «پدئولوژی اسلامی» و رسالهٔ «ما چه می‌گوییم؟»، که خلاصهٔ اندیشهٔ سید دربارهٔ آرمان‌های اسلامی یک‌سازمان پیشرو اسلام‌گراست، با توجه به محتوای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی آنها، تأثیر بیشتری داشتند و مفیدتر بودند. به همین سبب رسالهٔ «ما چه می‌گوییم؟»، در آن دوره بیش از بیست بار و در ده‌ها هزار نسخه، در قم، تهران و افغانستان چاپ و منتشر گردید و مورد استقبال انجمن‌های اسلامی دانشجویان مسلمان فارسی‌زبان در آمریکا قرار گرفت و دوباره در آن سامان چاپ شد.

چرا کتاب «معالم فی الطريق»، که مهم‌ترین اثر سید قطب است و حتی می‌توان آن را گزیدهٔ تفسیر «فی ظلال القرآن» دانست، در آن دوره ترجمه نشد؟

این کتاب درواقع، آخرین اثر منتشرشده از سید قطب بود و در دههٔ چهل، هنوز چاپ نشده بود. سید، پس از گذراندن دوران زندان و تحمل شکنجه‌های وحشیانهٔ حکومت سوسیالیستی ناسیونالیستی سرهنگ ناصر در مصر بر ضد جوانان اخوانی، این کتاب را نوشت. در آن دوره، خود سید و خواهر و برادرش، محمد قطب، نیز در زندان «لیمان طره» قاهره گرفتار شده بودند و این امر سبب تغییر اندیشهٔ سید در مورد حکومت و جامعه شد و جامعه جاهلی و حکومت غیراسلامی، مورد نقد و تقبیح سید قرار گرفت. این کتاب البته بعدها چند بار به فارسی ترجمه و منتشر شد و ترجمهٔ این‌جانب به علت نشر ترجمه دیگر برادران ناتمام‌ماند و ظاهراً هم، ضرورتی برای تکمیل و نشر آن نباشد.

البته این کتاب، در بین جریان‌های جهادی و سلفی رواج بیشتری یافت و متأسفانه، آنها از این کتاب برداشت نادرست نموده و سوءاستفاده کردند. نتایج منفی این برداشت نادرست چه در مصر و چه در کشورهای دیگر، به خوبی آشکار شد. من با مرحوم محمد قطب، برادر کوچک سید قطب، در مکه مکرمه دیدار کردم و او به من گفت که هدف سید از طرح نوع «جامعهٔ جاهلی» و «جامعهٔ اسلامی» در این کتاب، ایجاد فتنه و فساد و مردم‌کشی نبود؛ بلکه هدف او برقراری یک جامعهٔ اسلامی خالص و زودن زنگارهای شرک و الحاد میان افراد جامعهٔ مسلمان بود. او معتقد بود که سید هرگز جامعه را به‌طور مطلق تکفیر نکرد؛ بلکه کوشید با بیان موارد افتراق، جامعهٔ اسلامی را از فساد دور کند.

در آن دوره مهم‌ترین شباهت و تفاوت نیروهای انقلابی ایران با اخوانی‌ها و سید قطب چه بود؟

بین این دو حرکت اسلامی شباهت‌های بسیاری وجود داشت. هر دو جریان خواستار تشکیل یک حکومت اسلامی خالص و راستین بودند، البته هر کدام نیز بر اساس برداشت‌های خود از منابع مورد اعتمادشان عمل می‌کردند و اغلب این منابع و مبادی با یکدیگر اختلاف یا تضاد ماهوی نداشت و شکلیات هم البته قابل «غمض عین» بود.

البته باید توجه کرد که سید قطب شاهد آغاز نهضت اصلی اسلامی ایران نبود، زیرا سرهنگ جمال عبدالناصر، او را به سبب تألیف کتاب «معالم فی الطريق» و اعلام

اندیشهٔ قرآنی در مورد کفر حکومتی که بر اساس موازین الهی حکومت نمی‌کند، به قیام علیه دولت و خروج از اطاعت اولو الأمر! متهم – و او را در یک دادگاه نظامی سفارشی به ریاست سرهنگ انور سادات، ناجوانمردانه به اعدام محکوم کرد و اعدام نمود.

بنابراین، نمی‌توان در مورد شباهت‌های وی با انقلاب اسلامی ایران نظر داد. البته، سید قطب پیش از نهضت اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی (ره) و در دورهٔ نهضت ملی ایران به رهبری آیت‌الله کاشانی، با معظلمه و شهید نواب صفوی روابط خوبی داشت و حتی نواب صفوی را برای شرکت در کنفرانس اسلامی قدس، که او دبیر آن بود، به عمان دعوت کرد، سپس از او خواست که به مصر برود و نواب به قاهره رفت. او که در آنجا میهمان اخوان بود، به علت سخنرانی در دانشگاه قاهره و هجوم چم‌آقداران سرهنگ‌ها به اجتماع باشکوه دانشجویان در دانشگاه (که بر اثر آن عدهٔ زیادی زخمی و دستگیر شدند) محترمانه بازداشت و به شیخ احمد حسن الباقوری، وزیر اوقاف وقت در مصر، تحویل داده شد و بعد از چند روز اقامت، به اجبار مصر را ترک کرد. در پی این ماجرا، سرهنگ‌ها با اعلام انحلال سازمان اخوان‌المسلمین، اموال و املاک و همهٔ امکانات آنها را مصادره کردند و در اختیار خود گرفتند. این سرهنگ‌ها همان‌هایی بودند که سید قطب، عنوان «حاکمان جاهلی» را مناسب حالشان می‌دانست، نه عنوان «حاکمان اسلامی» را. او در بیان این دیدگاه به آن دسته از آیات قرآن استناد می‌کرد که حاکمان به «غیر ما أنزل الله» را «کافرون و فاسقون و ظالمون» می‌داند.

ترجمهٔ آثار سید قطب ایدهٔ فرد یا افرادی خاص بود یا افراد مختلف بدون هماهنگی و اطلاع از کار یکدیگر آثار او را ترجمه می‌کردند؟
به نظر می‌رسد که این اقدامات خودجوش بود و سازماندهی خاصی نداشت. همچنین از اندیشهٔ یک فرد سرچشمه نگرفته بود و هر کس بر اساس تشخیص خود، برای پاسخگویی به نیازهای فکری جوانان، اثری از سید قطب را که مفیدتر می‌دانست ترجمه می‌کرد. آثار ترجمه‌شده با فاصله‌های زمانی مختلف به چاپ می‌رسید و برخی از ترجمه‌ها هم مکرر بود، مانند کتاب «الاسلام و مشکلات الحضاره» که شادروان علی حجتی کرمانی در تهران و جناب آقای سید هادی خامنه‌ای در مشهد آن را ترجمه کرده بودند. یا کتاب «معركة الاسلام و الرأسمالية»، که ترجمه مکرر داشت.

به نظر من بهتر بود که به جای این ترجمه‌های مکرر، آثار دیگری از سید قطب یا دیگران، که قابل ترجمه بودند و متأسفانه ترجمه نشدند، به افکار عمومی عرضه می‌شد. بنده به سبب ارتباط مستقیم با «اخوان‌المسلمین» مصر و سپس سوریه، در تبادل فرهنگی و ارسال نشریات نقش داشتم و در این امر پیشگام بودم و در مواردی هم، برخی از کتاب‌هایی را که به دستم می‌رسید در اختیار دوستان محترم قرار می‌دادم که ترجمه کنند.

به هر حال، ترجمه در نوع خود و در شرایط خاص، مفید و ارزشمند است. خوشبختانه، اغلب یا همهٔ مترجمان آثار سید قطب و دیگران، بعدها خود، آثار و کتاب‌های ارزشمند و پرمحتوایی را تألیف و تدوین و منتشر ساختند که از هر جهت ستودنی است.

به نظر شما راه حل این تکرار در ترجمهٔ آثار چیست؟ اگر یک سازمان فرهنگی یا دفتر ویژه در حوزه‌ها تأسیس می‌شد و کتاب‌های مفید و جدید را در اختیار مترجمان قرار می‌داد و افراد را از ترجمهٔ دیگران آگاه می‌کرد، بسیار بجا و ارزشمند بود. چنین سازمانی می‌توانست با انتشار آثار مفید دیگر، غنای بیشتری به جامعهٔ فکری ببخشد. البته ترجمهٔ مجدد آثار ترجمه‌شده آسان‌تر است!! ولی ای کاش اهالی فرهنگ به جای اقتباس و یا حتی کتاب‌سازی، در این زمینه‌ها اقدام کنند و یک کار مقدس فرهنگی را با اهداف مادی یا شخصی خود هم‌پراز نسازند!

«إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» «وَأَلَيْهِ يَرْجِعُ الْأُمُور».

منبع: مجلهٔ «زمانه» سال چهاردهم – شمارهٔ ۱۳۰ و ۱۳۱

باختری که اینگونه تحت فشار هستند سنی نیستند.

ایشان با اشاره به اظهارات یک سیاستمدار آمریکایی مبنی بر اینکه «دشمن آمریکا، اسلام گرایی است» تأکید کردند: برای آمریکاییها شیعه و سنی تفاوتی ندارند، آنها با هر مسلمانی که بخواهد براساس احکام و قوانین اسلامی زندگی و برای آن مجاهدت کند، مخالف هستند.

رهبر انقلاب اسلامی مشکل اصلی آمریکاییها با مسلمانان را، پایبندی و تقید به احکام و دستورات اسلام و تلاش برای پایه ریزی تمدن اسلامی دانستند و خاطرنشان کردند: به همین دلیل است، هنگامی که بیداری اسلامی آغاز شد، آنها سراسیمه و نگران شدند و تلاش کردند آن را مهار کنند که در برخی کشورها نیز موفق شدند اما بیداری اسلامی نابود شدنی نیست و به لطف الهی، به اهداف خود خواهد رسید.

حضرت آیت الله خامنه ای هدف اصلی جبهه استکبار را ایجاد جنگ داخلی میان مسلمانان و نابودی زیر ساخت های کشورهای اسلامی همچون سوریه، یمن و لیبی دانستند و گفتند: نباید در مقابل این توطئه ساکت نشست و تسلیم شد بلکه باید با کسب بصیرت و حفظ استقامت در مقابل توطئه ها ایستاد.

ایشان با انتقاد از سکوت دنیای اسلام در قبال استمرار فشار بر مسلمانان بحرین و همچنین نزدیک به یک سال بیماران شبانه روزی یمن، و اوضاع سوریه و عراق، به قضایای اخیر نیجریه اشاره کردند و افزودند: چرا باید در مورد شیخ مصلح تقریبی و مؤمن اینگونه قاجعه آفرینی شود و حدود یک هزار نفر کشته شوند و فرزندان او به شهادت برسند و دنیای اسلام ساکت بماند؟

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: اهداف دشمنان اسلام بسیار خطرناک است و وظیفه همه، بصیرت و بیداری است و در این میان وظیفه علمای اسلام و روشنفکران راستین است که با مردم و سیاستمداران دارای وجدان بیدار صحبت و واقعیت ها را بیان کنند.

حضرت آیت الله خامنه ای خاطرنشان کردند: هنگامی که دنیای زر و زور با همه توان به دنبال طراحی های خطرناک برای دنیای اسلام است، کسی حق ندارد به خواب برود و متوجه واقعیت ها نباشد.

رهبر معظم انقلاب:

امت اسلامی باید تمدن نوین اسلامی را پایه ریزی کند



حضرت آیت الله خامنه ای تأکید کردند: تمدن غرب با ظاهر پر زرق و برق خود، اکنون از لحاظ اخلاقی فاسد و از لحاظ معنوی پوک شده است به گونه ای که خود غربی ها به این واقعیت اذعان می کنند.

ایشان با تأکید بر اینکه اکنون نوبت دنیای اسلام است تا در جهت پایه ریزی شالوده تمدن نوین اسلامی گام بردارد، گفتند: برای رسیدن به این هدف، آمیدی به سیاستمداران دنیای اسلام نیست و باید علمای دین و روشنفکران راستین که قیله آنها غرب نیست، اقدام به روشنگری در میان امت اسلامی کنند و بدانند که برپایی این تمدن، امکان پذیر است.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به ظرفیت ها و توانایی های دنیای اسلام از جمله سرزمین های خوب، موقعیت جغرافیایی ممتاز، منابع طبیعی فراوان، و نیروی انسانی با استعداد، خاطرنشان کردند: اگر این ظرفیت ها با تعالیم واقعی اسلام درهم آمیخته شوند، امت اسلامی می تواند آفرینش های هنرمندانه خود را در عرصه های علم و سیاست و فناوری و همچنین عرصه های اجتماعی به ظهور برساند.

حضرت آیت الله خامنه ای نظام جمهوری اسلامی ایران را یک نمونه از امکان رسیدن به این اهداف بزرگ برشمردند و افزودند: ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، از لحاظ علمی، سیاسی و اجتماعی، عقب افتاده و از لحاظ سیاسی، منزوی و از لحاظ شئونات کشور کاملاً وابسته بود اما امروز به برکت اسلام، ملت ایران هویت و شخصیت خود را نشان داده و کشور به پیشرفتهای مهمی در علم و فناوری و دانش های نوین رسیده و جزو چند کشور برتر در این عرصه ها است. ایشان این نمونه را قابل تمجید برای همه دنیای

همزمان با هفدهم ربیع الاول، خجسته سالروز میلاد پیامبر اعظم حضرت محمد (ص) و حضرت امام صادق (ع)، مسئولان نظام، میهمانان شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی، سفرای کشورهای اسلامی و جمعی از قشرهای مختلف مردم، با حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار ضمن تبریک سالروز میلاد پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) و حضرت امام صادق(ع) با اشاره به دمیده شدن روح زندگی و معنویت واقعی و احیای دنیای مرده و آفت زده جاهلیت با ظهور اسلام و ولادت و بعثت پیامبر(ص)، مهمترین وظیفه امروز دنیای اسلام بویژه علماء و روشنفکران راستین را «تلاش مجدانه و مجاهدانه» برای دمیدن روح واقعی اسلام و معنویت در دنیای پر از ظلم و تبعیض و قساوت کنونی دانستند و تأکید کردند: امروز نوبت دنیای اسلام است که با استفاده از دانش و ابزارهای جهانی و همچنین عقل و خردمندی و تدبیر و بصیرت، در جهت برپایی «تمدن نوین اسلامی» حرکت کند.

حضرت آیت الله خامنه ای گرامیداشت میلاد پیامبر(ص) را در مقابل وظیفه مورد انتظار از دنیای اسلام، بسیار کوچک برشمردند و گفتند: امروز وظیفه امت اسلامی، فقط گرامیداشت میلاد یا بعثت پیامبر اسلام (ص) نیست بلکه دنیای اسلام باید اهتمام خود را رسیدن به تمدن نوین اسلامی قرار دهد.

ایشان افزودند: تمدن نوین اسلامی به معنای تجاوز به سرزمین ها، پایمال کردن حقوق انسانها و تحمیل کردن اخلاق و فرهنگ خود به ملتها نظیر آنچه چیزی نیست که تمدن غربی انجام داد بلکه به معنای هدیه کردن فضیلت الهی به بشریت و ایجاد زمینه برای تشخیص مسیر صحیح بوسیله خود انسانها است.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به استفاده غرب از دانش و فلسفه دنیای اسلام برای پایه ریزی تمدن خود، خاطرنشان کردند: این تمدن اگرچه جلوه های زیبایی از فناوری، سرعت، سهولت و ابزارهای مختلف زندگی ارائه کرد اما برای بشریت خوشبختی، سعادت و عدالت به ارمغان نیاورد و در درون خود نیز دچار تضاد شده است.

رییس جمهور در کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی:

هلال شیعه و سنی نداریم؛ یک بدر اسلامی داریم



مسلمانان اعم از زن و مرد در زمستان سرد به کشوری غیر اسلامی پناه ببرند و آن کشور آنان را پشت دروازه نگه دارد.

وی افزود: ما باید جلوی خشونت فکری و گفتمانی ایستادگی کنیم ظلم امروز صرفاً علیه مسلمانان اعم از مردم یمن، عراق، لیبی، سوریه نیست بلکه ظلم بر چهره اسلام رحمانی است، در حالی که اسلام دین محبت و برادری است و پیامبر اسلام را به حسن خلق معرفی کردند.

رییس جمهور ابراز کرد: امروز ما چاره ای جز اتحاد نداریم بنابراین از همه کشورهای اسلامی منطقه که بر سر همسایگان خود بمب و موشک زدند دعوت می کنم که راه صحیح و درست را در پیش گرفته و به وضعیت مسلمانان توجه داشته باشند.

حجت الاسلام والمسلمین روحانی عنوان کرد: اگر کشورهای اسلامی که از آمریکا بمب و موشک خریدند همان پول را میان فقرای کشورهای اسلامی تقسیم می کردند دیگر گرسنه ای وجود نداشت که به گروهک هایی نظر داعش بپیوندند.

وی افزود: سال ها از وحدت سخن گفتیم اما وحدت دنیای اسلام بدون اتصال اقتصادی دنیای اسلام به یکدیگر امکان پذیر نیست، مگر می شود اقتصاد، فرهنگ، علم و دانش، دانشگاه های ما به دنیای غیر اسلام متصل باشد و آنگاه از وحدت و اتحاد و برادری سخن بگوییم.

کشوری که در کنار متجاوز اصلی منطقه یعنی اسرائیل سال ها ایستاده و مقاومت کرده تضعیف کردیم این مسئله به نفع کیست؟

وی در ادامه با طرح این سوال که آیا تضعیف سوریه به نفع دنیای اسلام است؟ بیان داشت: آیا تضعیف سوریه به نفع همسایگان مسلمان این کشور است؟ آیا تخریب سوریه موجب بنای ترکیه، اردن، عربستان، قطر، امارات یا دیگر کشورهای می شود؟ آیا جز اسرائیل کسی از ویرانی سوریه یا جنگ در عراق خوشحال می شود.

رییس جمهور در خصوص خشونت و ترورهای امروز دنیا، ابراز کرد: امروز ۸۴ درصد خشونت، ترور و آدم کشی در دنیای اسلام و در آفریقا، شمال آفریقا، خاورمیانه و غرب آسیا رخ می دهد، آیا ما مسلمان ها در برابر خون مسلمان های دیگر مسئول نیستیم و نباید پاسخگو باشیم؟ آیا مورد قبول است که پول نفت مسلمانان را به آمریکا بدهیم و بمب و موشک بخریم و بر سر مردم بیچاره یمن بریزیم؟ آیا این قابل قبول است که موشک های ضد زره از آمریکا بخریم و آن را در اختیار داعش و جبهه النصره و دیگر گروهک های تروریستی ضد اسلام بگذاریم.

حجت الاسلام والمسلمین روحانی گفت: چرا ما باید در برابر این همه کشتار و خونریزی سکوت کرده یا به نفع کسانی که عامل اصلی خونریزی هستند عمل کنیم، این مساله برای دنیای اسلام شرم آور است که

حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی، رییس جمهور در بیست و نهمین همایش بین المللی وحدت اسلامی که در سالن اجلاس سران برگزار شد، گفت: امروز ما در وضعیتی هستیم که کشورهای اسلامی بر کشورهای دیگر حمله کرده و بمب و موشک بر سر مردم آن می ریزد یا گروه هایی به نام اسلام بر روی مسلمانان تیغ می کشند.

وی افزود: امروز کشتار مسلمانان به دست کسانی اتفاق می افتد که ادعای اسلام دارند و بر پرچم آنها نام الله و پیامبر اکرم نقش بسته شده است، شاید هیچ زمانی تصور نمی کردیم که تعدادی اندک در دنیای اسلام به صورت عملی و زبانی اسلام را دین کشتار و خشونت معرفی کنند. رییس جمهور عنوان کرد: امروز با توجه به شرایط حساس منطقه و دنیای اسلام ما باید رسالت سنگینی بر دوش خود احساس کنیم، هویت ما اسلامی است و آنچه درباره هلال شیعه گفته می شود غلط است ما هلال شیعه و سنی نداریم ما یک بدر اسلامی داریم. حجت الاسلام والمسلمین روحانی اظهار داشت: مسلمانان باید با هم متحد باشند، امروز صاحب نظران، اندیشمندان، مسئولان فرهنگی کشورهای اسلامی باید به این مساله فکر کنند که ویرانی سوریه به نفع چه کسی است، اگر ما خیابان ها و بنای سوریه را تخریب کردیم و یا آثار تمدنی آن کشور را از بین بردیم و اگر نفت مردم سوریه را دزدیده و به دیگران فروختیم و اگر

رییس جمهور در ادامه گفت: صرفاً با سخن گفتن برادری ایجاد نمی شود، مگر پیامبر اسلام در مدینه تنها با کلام حکومت کرد، عالمان دینی، صاحبان منبر، صاحبان تربیون، مدرسان دانشگاه ها و مدرسان حوزه های علمیه باید با کلام، گفتمان و تبلیغ خود کاری کنند تا در برابر تروریسم سد محکمی ایجاد کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین روحانی عنوان کرد: بعد از حمله مغول ها همین عالمان و محققان با فرهنگ گفتمانی حاکمان مغول را به مروج احکام اسلام و سازنده مساجد تبدیل کردند، ما باید فکر جوانان دنیای اسلام را تصرف کنیم، ما باید تصویر اسلام در افکار عمومی جهان تصحیح کنیم.

وی در پایان خاطرنشان کرد: ما صرفاً یک هفته وحدت نداریم بلکه تمام روزهای ما باید روزهای وحدت باشد، بلکه با وحدت و اتحاد ما است که دشمنان اسلام از اهداف شان دور خواهند شد، ما با وحدت می توانیم امت واحده اسلامی را بسازیم.

مراسم اختتامیه بیست و نهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی در هتل استقلال تهران برگزار شد. در مراسم اختتامیه کنفرانس وحدت اسلامی سخنرانانی از کشورهای مختلف دیدگاههای خود را درباره موضوع کنفرانس و محورهای مطرح در سه روز برگزاری آن مطرح کردند.

دکتر ایوب محمد به نمایندگی از نیبه بری رئیس مجلس لبنان در سخنانی اظهار داشت: در حالی این نشست برگزار می شود که توطئه های بسیاری علیه جهان اسلام وجود دارد؛ و دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی در راس آن رژیم صهیونیستی به توطئه های خود ادامه می دهند؛ جریان تکفیری هم در مسیر همین توطئه هاست.

وی با اشاره به اسلام هراسی در غرب، گفت: شاهد هتک حرمت مقدسات اسلامی در غرب هستیم و موضوع کنفرانس که بحران های جهان اسلام است می تواند در کل جهان و مسلمانان همه نقاط دنیا تعمیم داده شود. ایوب محمد در ادامه با تقدیر از فعالیتهای مجمع تقریب و خصوصا نقش آیت الله اراکی در وحدت مسلمانان جهان حول محوری که امام خمینی(ره) بر آن تاکید داشتند، گفت: ایران دژی مستحکم است که هیچ گاه از اصول ثابت و خدشه ناپذیرش عقب ننشست و در عرصه بین الملل تثبیت شده است.

شیخ محمد زغموت از علمای فلسطین نیز در سخنانی با بیان این که علما وارثان پیامبران هستند، گفت: علما باید همواره دنبال امر به معروف و نهی از منکر باشند و مسلمانان را به وحدت دعوت کنند.

وی در ادامه با اشاره به مسئله فلسطین، خاطرنشان کرد: مردم مظلوم فلسطین در معرض تجاوزات رژیم صهیونیستی هستند؛ امروز شاهد این هستیم که دشمنان اسلام در سرزمینهای اشغالی به انواع جنایتهای دست می زنند اما امروز زمان آن فرارسیده است که به فریاد برادران مظلوم خودتان برسید و کمک های همه جانبه خود را به فلسطینیان دریغ نکنید تا با مبارزات خود سرزمین مقدس مسلمانان را آزاد کنند.

وی افزود: امیدواریم ملت و امت اسلام تکالیف شرعی خود را انجام دهند و به دستور الهی در مقابله کامل و با همه توان در برابر دشمنان اسلام جامه عمل بپوشانند. شیخ شعبان رمضان موباجی، مفتی مسلمانان اوگاندا، دیگر سخنران این مراسم با بیان اینکه مردم اوگاندا از یک قرن و نیم پیش به دین اسلام گرویده اند، خاطرنشان کرد: در کشور ۳۵ میلیونی اوگاندا ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر مسلمان زندگی می کنند که سخن از

شیعه و سنی در میان آنها وجود ندارد.

وی با بیان اینکه پرسیدن مذهب یکدیگر می تواند منشأ فتنه باشد، خاطرنشان کرد: در کشور اوگاندا همزیستی بسیار خوبی میان مسلمانان با یکدیگر و مسلمانان با مسیحیان وجود دارد به طوری که کمیته گفتمان مسلمانان و مسیحیان تشکیل شده است.

مفتی کشور آفریقایی اوگاندا با تأکید بر اینکه تکلیف همه مسلمانان حرکت در مسیر وحدت و گرایش نداشتن به چند دستگی است، گفت: باید پیوند برادری را ریشه دار و مشکلات را با گفتمان نه با سلاح حل کنیم.

وی در پایان خاطرنشان کرد: این نشست ها باید دارای مصوبه هایی باشد که اگر بتوانیم یک دهم از این مصوبات را به اجرا درآوریم، ارزش و قدمی به جلو تلقی می شود.

در ادامه مراسم اختتامیه کنفرانس وحدت اسلامی، دکتر احمد بن سعود السیابی، از دانشمندان عمان، با اشاره به تفرقه انگیزی دشمنان در میان مسلمانان گفت: دشمنان بین مسلمانان تفرقه ایجاد می کنند و سپس به مشاهده کشتار مسلمانان به دست خودشان می نشینند. وی دلیل بحران های جهان اسلام را دو مسئله برشمرد و گفت: اولین دلیل این بحران ها آن است که توطئه و دسیسه چینی دشمنان هرگز متوقف نخواهد شد لذا تنها با بیداری امت اسلامی می توان نقشه دشمنان را نقش بر آب کرد.

این دانشمند عمانی دلیل دوم بحران های جهان اسلام را وجود سازمان ها و گروه های شرور مانند داعش دانست و گفت: این گروههای تکفیری شکاف بزرگی در جهان اسلام ایجاد کرده اند و از بین بردن این شکاف نیازمند سالیان طولانی تلاش و ممارست است.

وی راه درمان این بحران ها را وحدت و یکپارچگی امت اسلامی دانست و تأکید کرد: از بین بردن تروریسم و جریان های تکفیری فقط با وحدت امکان پذیر است. «شیخ بلال سعید شعبان» دبیر کل جنبش التوحید الاسلامی لبنان، در مراسم اختتامیه بیست و نهمین کنفرانس وحدت اسلامی با اشاره به شعار لا اله الا الله و محمد رسول الله به عنوان شعار مشترک همه مسلمانان، تأکید کرد که همه ما باید دست از اختلاف برداریم و طبق دستور خداوند با موعظه حسنه با هم رفتار کنیم.

وی با اشاره به اینکه رژیم صهیونیستی از طریق مذهب در ما رخنه کرده است و سعی در دامن زدن به اختلافات و فراموش شدن مسأله فلسطین دارد، گفت: اسرائیل و آمریکا بزرگترین دشمنان ما هستند و همه باید با همبستگی و اتحاد در مقابل دشمن بایستیم.

بلال شعبان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به کشتارهایی که در جهان اسلام رخ می دهد، گفت:

آیت الله تسخیری:

باید راهکارهای عملی برای مقابله با بحران های جهان اسلام یافت

منحرف و افراطی بیش از گذشته به یکدیگر نزدیک شده و تقریب عملی را به مرحله اجرا بگذارند و با هم شبهات تکفیریه را پاسخ گویند.

احمد السید از اندیشمندان سوریه نیز در این کمیسیون گفت: یکی از مشکلات اصلی، عدم آگاهی مردم است؛ جهان اسلام در شرایطی قرار دارد که نمی تواند تشخیص دهد دوست و دشمن کیست.

وی در ادامه با اشاره به بحران سوریه خاطرنشان کرد: در چهار سال گذشته ثابت شد که این بحران ناشی از کمک های همه جانبه آمریکا و متحدانش به گروههای تروریستی بود.

سعید شهبای اندیشمند بحرینی نیز در سخنانی تأکید کرد: مسئله اسلام هراسی یکی از پدیده هایی است که از سوی دشمنان اسلام ایجاد شد و در این راستا گروههای تکفیری و تروریستی را ایجاد کردند و با سوء استفاده از عنوان جهاد این عبارت را مخوش جلوه دادند. ماموستا قادری امام جمعه پاهو نیز در سخنانی اظهار داشت: امروز جهان اسلام به آتش تفرقه می سوزد لذا بر علما واجب است که دین را به مردم به خوبی معرفی

سخنرانی شماری از شخصیت های جهان اسلام در کنفرانس وحدت

وی ضمن تشکر از کسانی که برای برگزاری این اجلاس متحمل زحمات زیادی شده اند، تصریح کرد: زمانی که اخوان به قدرت رسید سناریویی که در پیش داشت این بود که حکومت عادلانه داشته باشد و چهره واقعی اسلام را نشان دهد.

این اندیشمند مصری افزود: امروز آمریکا از دور نظاره گر است و می خواهد در مصر دخالت کند و دنبال فتنه های فرقه گرایی است.

وی ضمن ابراز امیدواری نسبت به اینکه به زودی شاهد سوریه ای یکپارچه و واحد باشیم، تأکید کرد: بحران های امروز نیاز به یک علاج فوری دارد. امروز در بحرین، قطر و بسیاری از کشورها شاهدیم که تلاش می کنند در مقابل تهدیدات آمریکا بایستند.

هلباوی در پایان گفت: امیدواریم که روزی در این اجلاس شاهد حضور افرادی از الازهر باشیم.

شمس الدین شرف الدین دیگر سخنران مراسم اختتامیه بیست و نهمین کنفرانس بین المللی وحدت نیز تصریح کرد: قرآن دشمن واقعی را برای ما مشخص کرده و آن اسرائیل است.

وی افزود: در یمن ظلم و خشونت را عملا لمس کردیم. اگر برادران ما در سوریه با تروریسم می جنگند، اگر برادران ما در عراق با جریان های تکفیری مبارزه می کنند، ما در یمن با مادر داعش به تنهایی با کمبود امکانات و فقط با تکیه بر خداوند می جنگیم. به طوری که مقاومت و پایداری مردم یمن زبانه ها شده است. وی تأکید کرد: عربستان سعودی روی دیگر رژیم صهیونیستی است.

شمس الدین در پایان تأکید کرد: ما باید در مقابل دشمنان موضعی مستحکم، قدرتمند و واحد داشته باشیم. سخنران بعدی شیخ دیلمی از کشور یمن بود که سخنش را با فاتحه ای بر دکتر مرتضی ابن زید شروع کرد که هفته گذشته در مسجدی به نام خودش شهید شد.

دیلمی افزود: «از یمنی حرف می زنم که بیش از ۲۵ هزار شهید داده و بیش از ۵۰ هزار بار تحت حملات سعودی قرار گرفته است. از این تعداد نزدیک به ۷ هزار کودک بودند که بیگانه در خانه هایشان جزا شده شدند. ما کشوری پر از طلا و نفت و ثروتی عظیم هستیم که دشمنانمان از طریق عربستان سعودی نگذاشتند از آن بهره مند شویم.»

شیخ دیلمی در مثالی بیان کرد که مردم یمن مثل کوه ایستاده اند و هرچه ضربات بیشتر شود اراده شان قوی تر می شود. اهالی یمن در حالی که آب و برق ندارند مساجد و مغازه هایشان را باز نگه داشته اند. یمن به عنوان کشوری که سالها از فلسطین حمایت کرده امروز خواستار کمک تمام مسلمین جهان است و در پایان سخنانش گفت: «فرزند امام حسین می فرماید مسلمانان می توانند با وحدتشان به آسمانها دست پیدا کنند.»



کنند و جلوی انحرافات در جهان اسلام را بگیرند؛ اساس مشکلات ما سخنان خشونت گرا و اختلاف انگیز است. دکتر انس عبدالنور از علمای اوگاندا این کمیسیون گفت: در کشور اوگاندا صدها سال شیعه و سنی در کنار یکدیگر برادرانه زندگی کرده اند اما متأسفانه با توطئه دشمنان و دست های پشت پرده این رویه در حال تغییر است.

شیخ سعید قاسم از فلسطین، علی باقر عابدی از هندوستان، شیخ بلال شعبان از لبنان و محمد امین از روسیه از دیگر سخنرانان بودند که مقالات خود را در رابطه با موضوع کمیسیون ارائه دادند.

گفتنی است حجت الاسلام قبانچی امام جمعه نجف اشرف نیز در این کمیسیون اشعاری را در رثای فعالیتهای وحدت گرای آیت الله تسخیری قرائت کرد.

مانند احزاب، سندیکاها، اتحادیه ها و تشکلهای زنان و جوانان بطور فعال در نشر و اشاعه این فرهنگ شرکت کنند تا این مهم در انحصار یک گروه بخصوص نباشد . همچنین دست اندرکاران امور تقرب نباید به جنبه تئوری اکتفا کنند بلکه باید درصدد اجرایی نمودن مسئله تقرب از طریق اجرای عملی پروژه های تقرب باشند.

۱۵- شرکت کنندگان پیروزی جمهوری اسلامی ایران را در پرونده هسته ای وموفقیتهای افتخارآمیز در زمینه های فن آوری تبریک گفته و از دیگر کشورهای اسلامی خواستند توانمندیهای خود را در زمینه های فن آوری و علمی توسعه دهند و بهینه سازی کنند.

۱۶- شرکت کنندگان ضمن تشکر و قدردانی از جمهوری اسلامی ایران بخاطر ارائه طرح وحدت اسلامی و تقرب مذاهب اسلامی و تلاش در این جهت و همچنین تشکر و قدردانی از مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی بخاطر تدارک برگزاری این کنفرانس و تلاشهایی که در جهت هرچه بهتر برگزار کردن آن انجام داده و نیز بخاطر میهمان نوازی از خداوند متعال خواستند به امت اسلامی توفیق دهد از خط مشی امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و پرچمدار وحدت و تقرب میان مسلمانان و خلف صالح ایشان امام خامنه ای بنیانگذار مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی که پیگیر اجرایی کردن طرح وحدت امت اسلامی میباشد ، پیروی نماید. والحمدلله رب العالمین.

برگزاری مراسم نکوداشت شخصیت‌های تقریبی در کنفرانس وحدت

در سومین روز کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، مراسم نکوداشت ۵ نفر از شخصیت‌های تقریبی در هتل استقلال تهران برگزار شد.

در این مراسم از شهید آیت الله محمد باقر صدر، آیت الله آصفی، فتحی یکن، خانم عایشه عبدالرحمن و شهیده بنت الهدی صدر تقدیر و سخنرانان درباره ابعاد شخصیتی و اقدامات تقریبی آنها سخنانی بیان کردند.

حجت الاسلام والمسلمین قیانچی، امام جمعه نجف اشرف در سخنانی اظهار داشت: مسئله تقرب مسئله جدیدی نیست و از دیرباز و از زمان آیت الله بروجردی و امام خمینی(ره) مطرح شده بود و پس از آن نیز آیت الله تسخیری اقدامات خستگی ناپذیری را در این راه انجام داد.

وی با اشاره به فعالیت‌های وحدت گرای شهید محمد باقر صدر گفت: این شهید بزرگ با نگارش کتبی مثل اقتصادنا گامی مهم در مسیر تقرب برداشت؛ این کتاب استنباطی از مسائل اقتصادی مسلمانان است که بین شیعه و سنی در این زمینه همکاری ایجاد می کند.

وی افزود: مرحوم آیت الله آصفی نیز از منادیان بزرگ تقرب و وحدت بود و کتابهای بسیاری را با محوریت وحدت به رشته تحریر درآورد.

کمال هلباوی اندیشمند مصری نیز با تاکید بر این که روز میلاد نبی مکر اسلام(ص) روز همگرایی مسلمانان جهان است، گفت: عایشه الرحمن نیز به عنوان یکی از منادیان تقرب نقش عمده ای را در گسترش این فرهنگ در بین زنان مسلمان ایفا کرد.

فردوس العوادی دیگر سخنران این مراسم به معرفی دیگر شخصیت تقریبی پرداخت و گفت: شهیده بنت الهدی صدر مدارس دینی بسیاری در نجف اشرف برای زنان مسلمان ایجاد کرد و زمینه گسترش فرهنگ اسلام حقیقی و تقرب را فراهم آورد.

زهیر الجعید نیز در ادامه ابعاد شخصیت تقرب گرای فتحی یکن را تبیین و خاطرنشان کرد: وی باوجود فشارهای بسیار، جبهه عمل اسلامی لبنان را برای حمایت از مقاومت تأسیس کرد. هدف از تأسیس این جبهه از سوی این شخصیت تقریبی تعمیم مسئله مقاومت اسلامی برای کل جهان اسلام بود.

بیانیه پایانی بیست و نهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی

و از شخصیت و جایگاه و هویت خود محافظت کنند. همچنین به آندسته از مفتیان که خونریزی و تروریسم و تکفیر را تشویق و حمایت می کند هشدار داده و این مفتیان را به رعایت تقوای الهی دعوت نمود تا از تعرض به جان و حیثیت و نوامیس مسلمانان خودداری نمایند.

۹- تنها راه مقابله با بحرانهای کنونی مقاومت، پایداری فکری و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است و این محقق نمی شود مگر از طریق همکاری میان کشورهای اسلامی حول محور مقاومت فراگیر و همه جانبه .

۱۰- بحرانهای اقتصادی در جهان اسلام بخشی از آنها از تصمیم گیریهای سرمایه داران در کشورهای استکباری نشأت میگیرد، لذا لازم است کشورهای اسلامی به منظور حل این بحرانها در چارچوب یک بازار مشترک با یکدیگر همکاری داشته باشند.

۱۱- مسلمانان امروز باید اهداف بزرگ اسلامی را مدنظر قرار دهند و تمامی امکانات خود را برای دست یابی به این اهداف بزرگ بسیج کنند و از مسائل حاشیه ای و جزئی و انحرافات چه در فکر و اندیشه و چه در عمل بپرهیزند، مهمترین این اهداف ایجاد تمدن نوین اسلامی است.

۱۲- از جمله بحرانهای گریبانگیر جهان اسلام، بحران گمراه کردن افراد از طریق تبلیغات و رسانه است. این بحران با گسترش شبکه های ارتباطی و ماهواره ای تشدید شد. در این زمینه دشمنان امت از تبلیغات رسانه ای برای دامن زدن به کشمکشهای فرقه ای و قومیتی میان مسلمانان بهره می گیرند. بدین جهت همکاری میان کشورهای اسلامی بمنظور ایجاد شبکه های ماهواره جهت نشر و ترویج گفتمان وحدت و تقرب و خنثی کردن دروغ پردازی های تفرقه انگیز، ضروری به نظر می رسد.

۱۳- شرکت کنندگان نامه رهبر انقلاب اسلامی آیت الله امام سید علی خامنه ای به جوانان غربی را مورد تأیید قرار داده تا عموم مردم غرب به ویژه جوانان با اسلام راستین و توطئه اسلام ستیزی که هدف آن ایجاد دشمنی و عداوت با مسلمانان است آشنا شوند. همچنین با بیانات رهبر انقلاب که در آن تاکید کردند اولین گام برقراری آرامش و امنیت، اصلاح افکار منحرف و سیاستهایی که تروریسم را بوجود آورد، مورد تأیید قرار می دهیم و با ایشان همصدا هستیم که تعامل غرب با تروریسم متضاد و متناقض است چرا که تروریسم را به خوب و بد تقسیم کرده است و منافع کشورها را بر منافع انسانی و اخلاقی ترجیح می دهد.

۱۴- بر لزوم همکاری میان مؤسسات آموزشی و پژوهشی و دانشگاه های جهان اسلام جهت نشر و ترویج فرهنگی تقرب و ارائه و معرفی ماهیت واقعی اسلام بعنوان دین مخالف با خشونت و افراط گری، تاکید شد. لازم است همه گروهها و سازمانهای جامعه

میخواهند نقشه های خود را علیه همه کشورهای جهان و از جمله کشورهای حامی تروریسم نیز اجرا کنند.

۴- مسئله فلسطین در رأس قضایای امت بوده و از لحاظ بحرانهایی که امت اسلامی با آنها مواجه است مسئله فلسطین در اولویت قرار دارد، و در واقع رژیم غاصب صهیونیستی خود عامل و علت اصلی بحرانهایی جهان اسلام است. بدین جهت شرکت کنندگان از دولتها و ملتها میخواستند تا آنجایی که میتوانند مسئله مهم فلسطین را مورد توجه قرار داده و اجازه ندهند بحرانهای ساختگی فعلی آنان را از این اولویت مهم دور کند.

شرکت کنندگان همچنین گروههای فلسطینی را به حل اختلافات فیما بین و ایجاد وحدت میان خود در برابر دشمن مشترک دعوت نمودند.

۵- شرکت کنندگان خطر نابودی همه جانبه برخی از کشورهای اسلامی بویژه سوریه و یمن و عراق که در راستای خدمت به منافع صهیونیسم و استکبار جهانی انجام می گیرند، را متذکر شده و خواستار بسیج کردن همه امکانات و انجام تلاشهای مضاعف بمنظور جلوگیری از تجزیه این کشورها و برقراری صلح و امنیت در منطقه شدند.

۶- شرکت کنندگان دامن زدن به فتنه های مذهبی و فرقه ای را که به تعرض و تجاوز به مقدسات و شعایر عبادی مسلمانان منجر می شود، همانگونه که اخیرا در نیجریه و جمهوری آذربایجان شاهد آن بودیم، محکوم کرده و از مقامات نیجریه خواستند ضمن شناسایی عاملین این فتنه که صدها کشته و زخمی بر جای گذاشت ، از سرنوشت مجاهد صبور شیخ «ابراهیم زکزاکی» عضو شورای عالی مجمع تقرب پرده بردارد و وی را سالم به خانواده خود برگرداند تا فعالیت خود را در زمینه ارشاد و تبلیغ ادامه دهد، همچنین از حکومت آذربایجان خواستند حقوق ملت آذربایجان را تضمین و از هرگونه عمل ظالمانه ای همانند آنچه که اخیرا درخصوص مسلمان آن کشور انجام گرفت خودداری نماید.

۷- شرکت کنندگان خواستار آن شدند که تصمیم گیرها در جهان باید بدور از سلطه و فشارهای استکبار و صهیونیسم اتخاذ شود و امکانات و توانمندیهای جهان اسلام برای پیشرفت و توسعه مورد استفاده قرار گیرد بجای اینکه این امکانات در جنگ های فیما بین و نابودکردن کشورهای اسلامی و عقب ماندگی بلاد مسلمین بکار رود . شرکت کنندگان همچنین از به هدر دادن درآمدهای نفت اسلامی و استفاده از آن در قتل مسلمین و ویران کردن کشورهایشان و دامن زدن به اختلافات فیما بین و توطئه چینی علیه جریان مقاومت ، ابراز تأسف نمودند.

۸- علما و اندیشمندان و نهادهای دینی در جهان اسلام باید از توطئه و فتنه خرید افراد با پول دوری گزیده

در کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۳۰۰ تن از علما ، دانشمندان و اندیشمندان از ۷۰ کشور جهان در مدت سه روز، درباره بحرانهای موجود در جهان اسلام بحث و تبادل نظر و در بیانیه پایانی بر حل این بحرانها تاکید و راهکار ارائه کردند.

متن بیانیه پایانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصله والسلام علی رسول الله وعلی آله الطیبین و صحبه المنتجبین

به فضل و مدد خداوند متعال بیست و نهمین کنفرانس وحدت اسلامی با موضوع « بررسی بحرانهای جهان اسلام و راهکارهای پایان دادن به آنها » و همزمان با ولادت با سعادت پیامبراسلام (۱۲-۱۷) ربیع الاول که هفته وحدت اسلامی نامیده شده است در تهران برگزار گردید. این اجلاس که به مدت سه روز(۱۵-۱۷) ربیع الاول ۱۴۳۷ هـ و حضور بیش از ۶۰۰ اندیشمند از ایران و ۷۰ کشور جهان برگزار شد با سخنان رئیس جمهور حجت الاسلام والمسلمین دکترحسن روحانی کار خود را آغاز کرد و پس از سخنان رئیس جمهور تعدادی از شرکت کنندگان به ایراد سخن پرداختند. کنفرانس سپس با تشکیل ۱۴ کمیسیون به کار خود ادامه داد. همچنین شرکت کنندگان در اجلاس به دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی رفتند و به سخنان ارزشمند ایشان گوش فرا دادند.

مصوبات کنفرانس وحدت اسلامی به این شرح است :

۱- شرکت کنندگان بر این عقیده هستند بزرگترین بحرانهایی که جهان اسلام اکنون با آنها مواجه است همان تلاش برای تجزیه کشورهای جهان اسلام و عدم اعتماد میان حکومتها است، این بحرانها موجب پیدایش شکافهایی شد که زمینه را برای نفوذ دشمنان اسلام به درون جوامع اسلامی بمنظور دامن زدن به انواع جنگها و کشمکشها میان آنها، فراهم کرده است.

۲- خشونتها و تروریسمی که جهان اسلام اکنون با آن مواجه است در چارچوب نقشه از پیش طراحی شده جهت مخدوش کردن چهره جهان اسلام و فراهم کردن زمینه برای دخالت بیگانگان در امور مسلمین انجام می گیرد.

۳- موج تروریسمی که کشورهای اسلامی را در برمی گیرد در ادامه و راستای همان تروریسم صهیونیستی و توطئه آمریکایی صورت می گیرد که هدف نهایی آن اعمال سلطه و سیطره بر مسلمین پس از ترسیم مجدد نقشه جهان اسلام و اجرای طرح موسوم به « هرج ومرج مدیریت شده » و سپس رسیدن به هدف ایجاد باصطلاح «خاورمیانه جدید » است البته این دستهای خرابکارانه به ناپود کردن یک یا چند کشور بسنده نخواهند کرد بلکه

نگاه عملیاتی به تقرب و تلاش در راه تشکیل هسته های تقرب در جهان اسلام از محورهای عمده کنفرانس بود



رفت کمیسیون مهم ۱ و ۲ ما بود. علمای مقاومت و مساعی حمیده دو کمیسیون مهم دیگر این کنفرانس بود که در شکل جدی و جامعی مطرح شد و نکته مهم دیگر کمیسیون مهم نشست احزاب را نخستین بار تشکیل دادیم و این براساس نشست دو ماه پیش ما در بیروت که منشور احزاب جهان اسلام در آن تعریف شد، شکل گرفت. این احزاب شامل حزب هایی هستند که برای مقاومت آمادگی دارند و درصدد اینها هم مساله فلسطین است که ایده های عملیاتی در آن مطرح شد.

وی مهمانان کنفرانس بیست و نهم را جزء ارکان اصلی تقرب دانست و گفت: اعضای شورای عالی و مجمع عمومی در یکسال آینده باید ارتباط دو سویه شان را با مجمع تقرب حفظ کنند و دیدارهای ما به یکسال آینده موکول نشود. در اجلاس سال بعد باید کارنامه ای از فعالیتهای تقریبی خود بیاورند. موضوع تقرب قرار نیست براساس یک سری ارتباطات عاطفی و یا علمایی دنبال شود بلکه بحث سلسله ارتباطات عملیاتی مطرح است.

آقای متکی افزود: در دو نشست جداگانه یکی جوانان و دانشجویان و یکی نشست مساعی حمیده توجه به

دکتر منوچهر متکی معاون امور بین الملل مجمع تقرب مذاهب اسلامی درحاشیه بیست و نهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی درباره این کنفرانس به خبرنگار تقرب (تنا) گفت: کنفرانس امسال با بهره گیری از تجربه بیست و هشت دوره گذشته و با استفاده از شرایط امروز در جهان اسلام فراگیری آتش فتنه درچند سال اخیر، تلاش شد که نسبت به شکل و محتوا بازنگری شود و زاویه نگرش جدیدی پدید بیاید.

متکی افزود: با تدابیر دبیرکل مجمع درجلسات مختلف، ما قدری ویرترین حضور مهمانان را تغییر دادیم. از ۳۰۰ مهمان خارجی ۱۷۵ نفر چهره های جدید بودند که ده درصدشان را بانوان تشکیل می دادند. بخشی از آنها از مقامات کشورها و برخی از علما و متنفذین و برخی از روسا و اساتید دانشگاهها که نقش مرجع در کشورشان را دارند. بنابراین بازنگری امسال ما در جامعیت کیفی دعوت از مهمانان شکل گرفت.

سخنگوی کنفرانس وحدت اسلامی با اشاره به تحول بوجود آمده در کار کمیسیونهای کنفرانس امسال افزود: ما ۱۲ کمیسیون و نشست داشتیم که ۴ کمیسیون مرتبط با موضوع اصلی اجلاس، خروج از بحران کنونی درجهان اسلام بود. ارزیابی شرایط و علل بحران و راههای برون

*** در اندیشه‌ی وحدت مسلمین**

این اصل را باید پذیرفت که تمام افراد آرزومند بازگشت مسلمانان به عظمت گذشته‌شان، طرفدار وحدت نیز بوده و هستند، زیرا مهم‌ترین خطر و آفت برای مسلمانان، اختلاف بوده و هست. آیت‌الله خامنه‌ای از مدت‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در اندیشه‌ی وحدت اسلامی، بیداری اسلامی و بازگشت مسلمانان به عظمت گذشته بودند. ایشان با طیف وسیعی از علما و روشنفکرانی که از طرفداران بیداری اسلامی بودند ارتباط و دوستی و همکاری داشتند؛ شخصیت‌هایی همچون مرحوم شهید دکتر بهشتی، مرحوم آیت‌الله مطهری، مرحوم آیت‌الله طالقانی، مرحوم آیت‌الله کاشانی و مانند ایشان.

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای مدتی که در قم بودند، با آراء و افکار مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌الله سید صدرالدین صدر نیز آشنا شدند. همان‌طور که می‌دانید، مرحوم آیت‌الله بروجردی به‌شدت بر مسأله‌ی وحدت اسلامی تکیه می‌کرد و به‌شدت از حامیان دارالتقرب قاهره بود. مرحوم آقا سید صدرالدین صدر نیز چنین دیدگاه‌هایی داشتند.

امام خمینی رحمه‌الله هم قبل و بعد از پیروزی انقلاب

اسلامی دائماً بر وحدت مسلمین و وحدت شیعه و سنی تأکید داشتند. حتی خاطرم هست که یک بار فرمودند: کسانی که امروز از اختلاف شیعه و سنی دم می‌زنند، نه شیعه هستند و نه سنی. آیت‌الله خامنه‌ای هم از همان آغاز، طرفدار عزّت و عظمت اسلامی و نظریه‌ی وحدت بودند. ایشان از زمانی که توسط نظام سابق به تبعیدهای مکرر در شهرهای مختلف و از جمله شهرهای اهل سنت در اطراف زاهدان فرستاده شدند، با علمای اهل سنت رفیق بودند و تا امروز هم رفاقت‌شان باقی است.

*** تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی**

یکی از اقدامات آیت‌الله خامنه‌ای در دوران رهبری، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است. ماجرا از این قرار بود که ایشان تصمیم گرفتند یک مرکز اجتماعی به نام مجمع اهل بیت تشکیل شود که این مجمع تشکیل شد. من یاد می‌آید در همان روز اول که جلسه‌ای تشکیل شد، افرادی مطرح کردند که خوب است یک مجمع دیگری هم به نام دارالتقرب تأسیس شود. بعد از مدت کوتاهی، آیت‌الله خامنه‌ای تصمیم گرفتند چنین مرکزی برای تقریب تأسیس کنند. ایشان ابلاغی به من دادند و ما با امکانات مختصری شروع کردیم.

یک هیأت اُمناء برای دارالتقرب تشکیل شد که شامل شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله خامنه‌ای، دکتر بی‌آزار شیرازی، مرحوم شهید سید محمدباقر حکیم و دیگران بود. در مورد اسم مجمع هم آقای خسروشاهی با آقای شیخ محمدتقی قمی تماس گرفت. ایشان گفتند که نام «دارالتقرب» را بگذارید برای قاهره بماند و شما یک نام دیگری انتخاب کنید. ما هم بالاخره نام مجمع تقریب را انتخاب کردیم. یک روز که خدمت رهبری بودیم پیشنهاد شد که نام مجمع را بگذاریم «مجمع جهانی»، ایشان هم موافقت کردند.

«مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» تا امروز کارهای بسیاری کرده است؛ از جمله تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی، راه‌اندازی کتابخانه‌ی غنی و مرکز تحقیقاتی که در قم فعالیت می‌کند و تاکنون بیش از صد کتاب چاپ کرده است. قبل از این که مجمع تأسیس شود، هر سال در ایام تولد رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یک کنگره‌ی وحدت در تهران تشکیل می‌شد و علمای شیعه و سنی شرکت می‌کردند، اما بعد از این که مجمع جهانی تقریب تأسیس شد، رهبری فرمودند که این کنگره را مجمع‌التقرب دنبال کند. این کنگره از سوی مجمع در تهران برگزار شد و هر سال افراد بیشتری از جهان اسلام و حتی علما و شخصیت‌ها دعوت می‌کردیم

دکتر مختاری: تعالی ارزش های اخلاقی در گرو تعامل دوسویه میان انسان و تکنولوژی است

انگاریم. بلکه رفتارهای آدمی، اعمّ از تفکّر، اندیشه، احساسات، عشق، عمل، شیوه و سبک زندگی، آموزش، تربیت و غیره همگی در عرض هم نشست‌اند و همزیستی، تعادل، تریای و تلائم آنهاست که به شخصیتّ انسانی، یکپارچگی و اطمینان می بخشد و تکنولوژی یکی از این مجموعه رفتار انسانی است.

استاد خارج فقه و اصول در خاتمه در ترسیم ارتباط ناگسستگی میان تکنولوژی و دین، انسان را کانون معارف دینی دانست و گفت : تکنولوژی جزو آن دسته پدیده هایی است که به گونه ای مرموز و حیرت انگیز، به گونه ای مخفی و مستتر، خود و آثار و لواحقش را در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان وارد ساخته است؛ از این رو انسان برای برطرف ساختن تمامی نیازهای خویش، اعمّ از: نیازهای زیستی، اجتماعی، ایمنی، تغذیه و بهداشت، ارتباطات و حمل و نقل، آموزش و پرورش و... از این مقوله مدد می ستاند.

لازم به ذکر است نشست «دین و مدرنیته» در موضوع محورهای آموزش و فناوری در مدرنیته و بررسی و ارائه راهکار در مواجهه انسان و دین با فن آوری نوین صورت پذیرفت که با هم اندیشی دانشمندان مسیحی و مسلمان در دانشگاه آکسفورد برگزار گردید.

تکنولوژی نوین را با انگیزه های جوامع سرمایه داری مرتبط دانست و تصریح کرد: تکنولوژی به جای آن که به عنوان موتور پیشرفت کارآمدی خود را در جوامع بشری به منصه ظهور رساند در عمل به طور فزاینده ای به صورت نیروی تخریبی مهیبی که هم آزادی انسان و هم محیط طبیعی زیست وی را به نابودی کشاند تبدیل شد.

ریاست پژوهشگاه تقریب مذاهب اسلامی در ادامه بر ضرورت مواجهه صحیح با پدیده تکنولوژی به عنوان مهمترین شاخصه مدرنیته تأکید نمود و اظهار داشت: افسراط و تقریط در مواجهه با تکنولوژی و پیامدهای آن از جمله چالش های کلیدی است، بنابراین بسیار سنجیده خواهد بوداگر بر خطاهای دیگران به دیده دقت نظر کنیم و بر تکرار آن خطاها اصرار نامعقول نورزیم .

استاد حوزه و دانشگاه در تشریح چپستی ارتباط میان میان تکنولوژی و مقوله های از قبیل، فرهنگ، نظام ارزشی و جهان بینی به دیدگاه ها و نظریات متعدد در این زمینه اشاره نموده و گفت : در دیدگاه نخست که تحت عنوان «ابزارنگری» است، تکنولوژی و صنعت به دیده ابزار و امکاناتی در دست انسان تعریف شده است به نحوی که تکنولوژی از موقعیتی همدوش و هم عرض، با مولفه هایی از قبیل فرهنگ، جهان بینی و نظام ارزشی برخوردار نیست تا بتواند در آنها تأثیر معنابهی بگذارد.

بیانیه دختر شیخ زکزاکی درباره تحولات نیجریه

این اقدام ترسیدند برای اینکه می دانستند خود این مردم تحت ظلم قرار دارند والا برای چه یک تظاهرات مسالمت آمیز مردم غیر مسلح اینگونه مورد حمله مسلحانه قرار می گیرد و مجروحین را رها کند تا بسبب ساعت ها خونریزی جان بدهند؟

آنچه رخ داد قتل عام شیعیان نبود بلکه دوره ای از قتل عام بود. هرکسی در دنیا باید در برابر آنچه رخ داد قیام کند؛ از جمله غیر مسلمانان و علی الخصوص نیجریه ای ها. اگر دولت و یا مردمی که قسم خورده اند تا از شما دفاع کند می توانند به بهانه ای واهی مانند بسته شدن مسیر عبور، فیلمی منتشر کنند و صدها بلکه هزارها انسان را بکشند،

تصورش را بکنید که دیگر به چه بهانه هایی می توانند شما را بکشند؟ اگر شما علیه این مساله صحبت نکنید روزی همین بلا بر سر شما خواهد آمد و آن روز چه کسی خواهد بود که در دفاع از شما سخن براند؟

نصیبه ابراهیم زاکزاکی



کنیم. هر کسی از هر کجایی، از جمله غیر مسلمانان، آزاد است تا ما در این مبارزه همراهی کند. در نهایت هر مذهبی را که دنبال کنیم ما همگی می خواهیم که همان چیزی را محقق کنیم که پیامبر اسلامی حضرت محمد صلی الله علیه و آله برایمان به ارمغان آورده اند. ما تنها چند هفته ای به هفته وحدت داشتیم؛ هفته ای که همه مسلمانان برای شادی بر سر مشترکاتشان بجای اختلاف بر سر تفاوت ها، در کنار هم جمع می شوند. مراقب باشید دروس ارزشمندی را که در خلال سال ها از این هفته آموخته ایم بواسطه آنچه رخ داده است را از یاد ببریم.

وقتی سه تن از برادران من سال گذشته کشته شدند، آنها در حال تظاهرات در حمایت از مردم فلسطینی بودند که اکثرشان اهل تسنن هستند. آنها بخاطر شیعه بودن کشته نشدند بلکه آنها بدین خاطر کشته شدند که در دفاع از مظلومین ایستاده بودند. مسوولین نیجریه ای از

نیجریه شیعیانی نیستند که مورد این حملات قرار نگرفته باشد. وقتی که این حرکت آغاز شد اکثر قریب به اتفاق اعضای آن را اهل تسنن شکل می دادند و همان دوران نیز تقریباً همانند امروز مورد حمله قرار گرفتند. آنها هم به زندان افتادند و برای روش های فاسدانه و ناعادلانه حکومت تهدید تلقی شدند؛ چرا؟ برای اینکه ما تصمیم گرفته ایم تا به ظلمی که به مردم نیجریه روا می دارند خاتمه بدهیم. اگر ما نیز مانند اغلب مردم این کشور رفتار می کردیم که در برابر فساد و ظلمی سکوت کرده اند که همه از آن رنج می برند، آنگاه ما نیز در صلح و امنیت زندگی می کردیم. همانگونه که شما می توانید در کشوری زندگی کنید اما از هیچ حقی ولو حقوق اولیه بهره ای نداشته باشید.

پدر من هیچ وقت خود را بعنوان رهبر یک مذهب خاص معرفی نکرد و حرکت اسلامی را حرکت متعلق به یک مذهب خاص ننماید. هدف اصلی حرکت اسلامی این بود که در برابر بی عدالتی نظامی قیام کند که مجبور بودیم در این کشور تحت آن زندگی

دختر رهبر شیعیان نیجریه در واکنش به تحولات اخیر این کشور بیانیه ای را صادر کرد. متن این بیانیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

من یک شیعه مسلمان نیستم، من تنها یک مسلمان هستم و هیچ چیزی نباید قبل از نام مسلمان بیاید. ما مسلمانان نباید چنین نام هایی را قبول کنیم؛ نام هایی که ما را به اقسام مختلفی از اسلام تقسیم می کند، تنها یک اسلام وجود دارد که توسط حضرت محمد صلی الله علیه و اله آورده شده است.

ما مسلمانان نباید نام هایی مانند مسلمان شیعه و مسلمان سنی و مسلمان نیجریه ای و مسلمان آمریکایی و مسلمان مدرن و مسلمان معاصر و مسلمان معتدل و غیره را قبول کنیم.

واقعا جای تاسف است که برخی از برادران و خواهران ما به واقعه قتل عام زاریا بعنوان قتل عام شیعیان نگاه می کنند. کانه این افراد (حکومت نیجریه و ارتش) بخاطر شیعه بودنمان به ما حمله کردند. انگار که در

سنن النبی(ص) را با ترجمه و تحقیق آیت الله فقهی بخوانید



در ابتدای کتاب سنن النبی به تالیف علامه محمدحسین طباطبایی و ترجمه و تحقیق به قلم آیت الله محمدهادی فقهی، دستخطی از علامه طباطبایی نوشته شده با این مضمون که: «کتابی

که از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد مجموعه‌ای است از روایات سنن که متضمن روش‌های عملی حضرت نبی اکرم(ص) بوده و آن اعمالی را که آن حضرت در سیر زندگی با آنها مداومت فرموده و عنایت داشته است ضبط می‌کند. بخشی از معروف‌ترین این روایات را اینجانب در حدود سال ۱۳۵۰ قمری در رساله‌ای به نام سنن نبی گردآورده بودم. اخیراً دانشمند معظم جناب آقای شیخ محمدهادی فقهی دامت برکاته با تتبعی وسیع و کوششی چند ساله بقایای آنها را که در جوامع حدیث و غیر آنها متفرق بودند به عنوان ملحقات جمع‌آوری نموده و به منظور تمییم فایده تمام کتاب را با حفظ اصلی عربی روایات به فارسی ترجمه نموده و در دسترسی مراجعه کنندگان قرار داده‌اند. جزی‌الله عن الاسلام و صاء خیر الجزاء. محمدحسین طباطبایی» اما جای تأسف دارد که این کتاب مشهور و مستند به روایات اصیل شیعی، از طرف تعدادی از افراد باز چاپ شده و با نام‌های جعلی در میان مردم منتشر شده است.

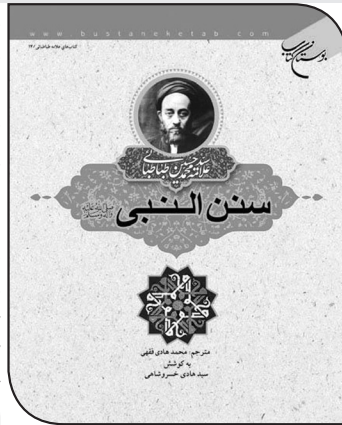
به محمد(ص) سپردند و آن حضرت از میان عموهای پیامبر(ص)، ابوطالب را انتخاب کرد. به این ترتیب بود که خانه ابوطالب و فاطمه بنت‌اسد به حضور محمد(ص) روشن شد. در روایت‌هایی که از پیغمبر اکرم(ص) نقل شده، نوشته شده که آن حضرت بارها به مهریانی مادرانه فاطمه بنت‌اسد اشاره می‌فرمود. نحوه ادب رسول اکرم(ص) در برابر ایشان به اندازه‌ای بود که بعد از وفات، آن حضرت خودشان با دست مبارکشان او را دفن کرده و لباس خود را به عنوان کفن بر بدن او پوشانیدند و به خاک سپردند. هر بار هم که برای زیارت قبر مادر و پدر خودشان می‌رفتند، بر سر مزار حضرت فاطمه بنت‌اسد(س) هم حاضر می‌شدند و برای او دعای خیر می‌کردند.

• رفتار با همسر

شیوه تعامل پیغمبر اکرم(ص) با همسران‌شان، زباند خاص و عام بود. آن حضرت با هر یک از همسران خود به بهترین نحو و محترمانه رفتار می‌کردند و در این باره به مسلمان‌ها هم تأکید می‌فرمودند که «با همسر ت خوش رفتار باش تا زندگی‌ات باصفا شود». (من لایحضره الفقیه؛ جلد چهارم) و همچنین می‌فرمودند: «از خوشبختی مرد مسلمان داشتن همسری شایسته، خانه‌ای بزرگ، وسیله‌ای راحت برای سواری و فرزندی خوب است». (بحار الانوار؛ جلد ۷۳)

در عین حال در سبک زندگی آن حضرت هم می‌توان نمونه‌های بسیاری از مراوده‌های کریمانه و خوش خلقی با همسران را مشاهده کرد. به‌طوری که از بسیاری از روایت‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که آن حضرت نسبت به همه همسران خود مهری یکسانی پرداخت می‌کردند و از تحقیر و توهین نسبت به آنها به شدت پرهیز داشتند. از طرف دیگر آن حضرت بسیار ساده زندگی می‌کردند و این موضوع یکی از اصول زندگی ایشان بود اما هیچ‌گاه همسران خود را مجبور به ساده‌زیستی مانند خودشان نمی‌کردند. همچنین اگر یکی از همسران‌شان مشاخره می‌کرد، پیغمبر اکرم(ص) به‌صورت منطقی و آرام با او گفت‌وگو می‌کردند و هیچ‌وقت به نفرین و توهین اقدام نمی‌کردند.

پشت افلاک به تعظیم شکوهش خم شد



سبک زندگی نبوی است که راه رسیدن به زندگی سعادتمندانه و موفق شدن در اجرا و تقویت پایه‌های اسلام را در زندگی ما مشخص می‌کند. در این باره آیت‌الله محمدهادی فقهی که سال‌ها به تدوین، ترجمه و تحقیق در سبک زندگی نبی مکرم اسلام(ص) مشغول بوده و کتاب مشهور «سنن النبی(ص)» را به سفارش علامه محمدحسین طباطبایی(ره) ترجمه و گردآوری کرده است، نکات مستند و

معتبری را درباره سبک زندگی رسول خدا(ص) مطرح می‌کند. در این صفحات به گوشه‌ای از اعمال و رفتار مرسوم آن حضرت اشاره می‌کنیم.

• به عهده وفا کن؛ حتی اگر کافر باشد

وفای به عهد یکی از اصل‌های اساسی در زندگی است که در عین حال که باعث می‌شود روابط اجتماعی تنظیم شود، آرامش و آسایش را هم برای ما به همراه دارد و کیفیت زندگی اجتماعی را بهبود می‌بخشد. از نظر پیامبر اکرم(ص) «کسی که وفای به عهد و پیمان نکند، دین ندارد». (بحار الانوار؛ جلد ۷۵) و همچنین «کسی که به خدای یکتا و روز قیامت ایمان دارد، باید به وعده‌ای که می‌دهد وفا کند». (اصول کافی؛ جلد دوم) بنابراین وعده گذاشتن و پیمان بستن با دیگران در حقیقت برای انسان مسئولیت‌آور است و بدون توجه به آن، زندگی مردم در اثر بی‌اعتمادی از هم می‌پاشد و همین بی‌اعتمادی و پایبند نبودن به عهدها باعث سست شدن زیربنای روابط اجتماعی می‌شود که در نهایت امنیت زندگی مردم در معرض خطر قرار می‌گیرد.

رسول اکرم(ص) در حدیث دیگری هم وفای به عهد را دلیل جوانمردی و عدالت می‌داند و می‌فرماید: «هر کس در معاشرت با مردم به آنان ظلم نکند، دروغ نگوید، خلف وعده ننماید، جوانمردیش کامل، عدالتش آشکار، برادری با او واجب و غیبتش حرام است» (عیون اخبار الرضا(ع)؛ جلد دوم) و در حدیث دیگری هم ترک وفای به عهد را حتی در برابر مردم کافر هم جایز نمی‌داند؛ «سه چیز است که ترک آن برای هیچ‌کس جایز نیست: نیکی به پدر و مادر مسلمان باشند یا کافر، وفای به عهد با مسلمان یا کافر و ادای امانت به مسلمان یا کافر» (نهج الفصاحه). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که وفای به عهد مانند اساس محکمی است که روابط اجتماعی را در بین مردم و روابط سیاسی را در سطح امت اسلامی و حتی روابط بین‌الملل محکم نگه می‌دارد و مانع از این می‌شود که اختلاف‌هایی در نتیجه پیمان‌شکنی به‌وجود بیاید. به این ترتیب است که انسان‌ها می‌توانند با عمل کردن به وعده‌های خود، سبک زندگی نبوی را اجرا کنند.

• از مریض عیادت کن؛ حتی اگر مسلمان نباشد

عیادت کردن از بیمار هم یکی دیگر از سنت‌های پیغمبر اکرم(ص) بوده و آن حضرت در این باره هم به دیگران سفارش می‌فرمودند و هم خودشان چنین ادبی را در زندگی رعایت می‌کردند. تفاوتی هم نداشت که فرد بیمار مسلمان باشد یا غیرمسلمان. نمونه‌اش آن است که در روایتی نقل شده که پیغمبر اکرم(ص) همسایه‌ای داشتند که غیرمسلمان بود و آن حضرت را بسیار آزار می‌داد و هر بار آن حضرت از کوچه رفت‌وآمد می‌کردند، آن مرد از بالای بام خانه‌اش بر سر و روی ایشان خاکستر می‌ریخت تا خشم و کینه خود را نسبت به رسول مکرم اسلام(ص) ابراز کند. اما پیامبر اکرم(ص) هر بار با نرم‌خوبی و مراعات از کنار او رد می‌شدند. اما یک روز از آن مردم خبری نشد و هر چند که پیامبر اکرم(ص) از کوچه تردد کردند اما از مرد و خاکسترهایش خبری نبود. آن حضرت، دلیل غیبت او را سؤال کردند و به ایشان خبر دادند که او در بستر بیماری است. اخلاق کریمانه ایشان به قدری بود که به عیادت همان مرد رفتند، در کنار بستر او نشستند و از احوالش پرسیدند به‌طوری که گویی هیچ آزاری از

رساندند و تعداد دیگری از مسلمانان را هم مجروح یا شهید کردند. اما مدتی بعد مکه بدون جنگ و خونریزی به‌دست مسلمانان فتح شد. طبیعی است که اگر شخص دیگری غیر از رسول مکرم اسلام(ص) در این شرایط قرار می‌گرفت و دشمنانش را در مقابل خود بدون سلاح می‌دید همه آنها را قتل عام می‌کرد. اما پیغمبر اکرم(ص) وقتی در کنار خانه کعبه قرار گرفتند، خطاب به دشمنان خود فرمودند: «گمان می‌کنید با شما چه خواهیم کرد؟» آنها پاسخ دادند: «تو هم خودت بزرگواری و هم بزرگواری زاده‌ای و اجداد و پدران همه اهل کرم بوده‌اند». و آن حضرت فرمودند: «بروید که همه شما را بخشیدم». به این ترتیب نه آنها را به قتل رساندند، نه به اسیری گرفتند و نه قذیه‌ای گرفتند بلکه همه را در راه خدا آزاد کردند و با جوانمردی کامل و اخلاق کریمانه از آنها گذشتند. البته ماجرای فتح مکه جریان‌هایی داشت که باید به آنها توجه کرد چرا که در همه شرایط جامعه مسلمانان نمی‌توانند بدون مبارزه به پیروزی برسند و وقتی در برابر دشمنی و حمله قرار می‌گیرند، عفو و گذشت در چنین شرایطی پاسخگو نخواهد بود. اما فتح مکه ماجرای ویژه‌ای داشت که به تسلیم ابوسفیان منجر شد و تحت چنین شرایطی رسول اکرم(ص) بدون جنگ و خونریزی موفق به فتح مکه شدند.

• دوست پیدا کن و دوستان را نگاهدار

انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و همین اجتماعی بودن و تمایل داشتن به برقراری ارتباط با دیگران باعث می‌شود که برای ادامه زندگی و حفظ آرامش و امنیت و رفاه خودش، نیاز داشته باشد با دیگران رابطه دوستی برقرار کند و به آنها اعتماد کند. به این ترتیب است که انسان‌ها نه تنها طی دوستی با هم مانوس می‌شوند و امکان آرامش و شادی یکدیگر را ایجاد می‌کنند بلکه آدم‌ها در هر رابطه دوستی به اندازه‌ای که پیوندشان عمیق باشد بر اخلاق و افکار یکدیگر هم تأثیر می‌گذارند. به همین دلیل است که انتخاب دوست خوب یکی از دستورات اصلی در اسلام است و پیغمبر اکرم(ص) هم این موضوع را آن قدر مهم دانسته‌اند که فرموده‌اند: «همنشین خوب، از تنهایی بهتر است و تنهایی از همنشین بد بهتر است». در واقع گاهی اگر انسان تنها بماند بسیار بهتر از این است که دوستی داشته باشد که به او آزار رساند و امنیتش را مختل کند و برای دنیا و دینش مضر باشد.

در عین حال از آنجا که هر کسی با خصوصیات و خلقیات دوستانش شناخته می‌شود، بسیار مهم است که چه کسی را برای دوستی خود انتخاب می‌کنیم چرا که همین گرایش به آدم‌ها در حقیقت گرایش و میل به سمت خصلت‌ها و خصوصیات اخلاقی، ظاهری و باطنی آنهاست. هر کسی را که دوست داریم، در حقیقت ظاهر، باطن و خلق و خوی او را می‌پسندیم. اینطور است که دقت کردن در مورد انتخاب دوست بسیار مهم بوده و ما با دوستانمان در جامعه شناخته می‌شویم. پیغمبر اکرم(ص) هم دستورالعمل مهمی درباره انتخاب دوست دارند و فرموده‌اند: «بهترین برادران (دوستان)، کسی است که با راستگویی‌اش تو را به راستگویی دعوت کند و با اعمال نیک خود، تو را به بهترین اعمال برانگیزد».

• رفتار با پدر و مادر

پدر و مادر در سبک زندگی اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. انطور که در زندگی و سیره اهل بیت علیهم السلام می‌خوانیم آن بزرگان، ادب و احترام بسیاری نسبت به والدین خود داشتند. حتی در مورد پیغمبر اسلام(ص) هم می‌توان این موضوع را به خوبی از میان روایت‌ها درک کرد. به عنوان مثال حضرت فاطمه بنت‌اسد(س) که مادر حضرت امیرالمؤمنین(ع) است، این افتخار را داشته که مدت‌ها سرپرستی پیامبر اکرم(ص) را در زمانی که آن حضرت کودک بودند، برعهده بگیرد چرا که پیامبر اکرم(ص) خیلی زود پدر و مادر خود را از دست داده و یتیم شدند. عبدالمطلب، پدر بزرگ آن حضرت، چندسالی عهده‌دار کفالت ایشان شد. اما پیامبر(ص) تقریباً ۸ ساله بود که عبدالمطلب در بستر بیماری افتاد. اما عبدالمطلب که نگران سرپرستی نوه ۸ ساله‌اش بود، چند روز قبل از وفات، همه فرزندان را دور خودش جمع کرد و از آنها پرسید که چه کسی سرپرستی محمد(ص) را برعهده می‌گیرد؟ فرزندان هم انتخاب را

سوی او ندیده بودند. آن مرد هم شرم‌زده شد و از ایشان پرسید: «آیا در دین شما این نوع اخلاق و مروت جزء دستورات دینی است؟» پیامبر اکرم(ص) هم پاسخ دادند: «این نوع رفتار جزء دستورات دینی است و ما همه مسلمانان را به چنین رفتاری سفارش می‌کنیم». مرد غیرمسلمان و مردم‌آزار هم تحت تأثیر رفتار و خلق و خوی کریمانه پیغمبر اکرم(ص) قرار گرفت و به دین اسلام مشرف شد. اینگونه است که خداوند متعال در وصف اخلاق رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: «و انک لعلی خلق عظیم؛ به‌درستی که تو را خوئی والاست» (سوره قلم؛ آیه چهارم).

براساس این روایت و احادیث دیگری از رسول مکرم اسلام(ص) می‌توان به این نتیجه رسید که عیادت از بیمار و احوالپرسی از او نقش بسیار مهمی در تحکیم روابط انسانی و ایجاد و افزایش صمیمیت و همچنین اصلاح سبک زندگی دارد و در عین حال پاداش و اجر اخروی بسیاری هم به همراه دارد. همانطور که پیغمبر اکرم(ص) در حدیثی که شرح آن در کتاب نهج الفصاحه نوشته شده، فرمودند: «خدای تعالی در روز قیامت می‌فرماید:ای پسر آدم! من بیمار شدم اما عیادت نکردی؟ عرض می‌کند: پروردگارا چگونه تو را عیادت کنم حال آنکه تو پروردگار جهانیانی؟ می‌فرماید: مگر ندانستی که فلان بنده بیمار شد و عیادتش نکردی، مگر نمی‌دانستی که اگر به عیادتش روی، مرا نزد او می‌بایی؟» و همچنین فرمودند: «عیادت‌کننده از بیمار، در رحمت خدا غوطه‌ور می‌شود».

• ببخش تا خدا هم ببخشد؛ حتی اگر دشمن باشد

بزرگ‌ترین فایده عفو و گذشت در زندگی‌های فردی و اجتماعی این است که تعادل و آرامش در جمع ایجاد می‌شود و خود انسان بخشنده و رتوف هم در آسایش زندگی می‌کند. همین تعادل اجتماعی است که روابط ما با دیگران را بهبود بخشیده و در نهایت رفتارهای ناشایست و خلاف مصلحت مثل غیبت کردن، بدگویی، تهمت‌زدن، حسادت و انتقام گرفتن از بین می‌رود. از طرف دیگر تعادلی که انسان در نتیجه بخشیدن و عفو کردن دیگران به‌دست می‌آورد باعث می‌شود که افسردگی و بدبینی او نسبت به دیگران از بین برود و همین سلامت روانی، موجب حفظ سلامت جسمی او هم می‌شود. به این ترتیب باید دقت داشت که عفو و بخشش دیگران که یکی از آموزه‌های اصلی در سبک زندگی نبوی است، نه تنها در آخرت موجب دریافت پاداش می‌شود بلکه در همین دنیا هم خیر و برکت‌های زیادی برای ما به همراه دارد. در مورد پاداش اخروی عفو و گذشت می‌توان به این حدیث از رسول اکرم(ص) اشاره کرد که فرمودند: «هنگامی که بندگان در پیشگاه خدا می‌ایستند، آواز دهنده‌ای ندا دهد: آن کس که مزدش با خداست برخیزد و به بهشت رود. گفته می‌شود: چه کسی مزدش با خداست؟ می‌گوید: گذشت‌کنندگان از مردم» (بحار الانوار؛ جلد ۶۴) و در حدیث دیگری تأکید فرمودند که «هر کس از خطاها درگذرد، خداوند از او درگذرد و هر کس گذشت کند خدا نیز از او گذشت کند».

البته سفارش‌های پیغمبر اسلام(ص) در مورد عفو و بخشش دیگران تنها به این احادیث ختم نمی‌شود بلکه آن حضرت نمونه عینی سبک زندگی اسلامی بوده‌اند و گذشت را به‌عنوان یکی از اصول در زندگی خود رعایت می‌کردند. نمونه مهم و بارز آن را هم می‌توانیم در ماجرای فتح مکه مشاهده کنیم. می‌دانیم که در صدر اسلام، دشمنان اسلام در مکه حضور داشتند و هر مکر و حیله علیه رسول مکرم اسلام(ص) و جامعه مسلمانان از سوی همین دشمنان و کافران صورت می‌گرفت. دشمنی‌های آنها به اندازه‌ای بود که در جریان جنگ احد، پیشانی و لب و دندان آن حضرت را شکستند، عمویش ایشان حضرت حمزه(ع) را به شهادت

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۳۳۱۴۲۳۷ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

دکتر علی لاریجانی مطرح کرد:

ارتزاق نهادهای دینی به وسیله دولت؟!

ایسنا: دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس، در جریان سفر به حوزه انتخابیه خود یعنی قم، در جمع اعضای ستاد هیأت و کانون خادم‌الرضای این شهر گفت: مسیر طی شده در مذاکرات هسته‌ای عقلایی بوده و نتیجه آن باقی‌ماندن دانش هسته‌ای ایران، شکسته‌شدن تحریم‌ها، حرکت هسته‌ای در آینده و زمینه‌سازی برای تسریع در رشد اقتصادی است.

او افزود: جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد راهی را که انتخاب کرده به ثمر برساند، البته متناسب با شیطنت‌ها نیز تصمیم‌گیری می‌کند و امیدوارم کشورهای غربی با عقلانیت عمل و شرایط را برای رفتار صحیح فراهم کنند. لاریجانی با تأکید بر ضرورت تقویت تولید و ثروت تصریح کرد: کشورمان از لحاظ علمی پیشرفت داشته و به همان میزان دشمن پیدا کرده است؛ قدرتمندان نمی‌خواهند ایران پیشرفت کند، زیرا رشد علمی، جهش به وجود می‌آورد، بنابراین موانعی مانند موضوع هسته‌ای ایجاد کردند که در این رابطه باید ایستادگی و فراست داشت تا در تله آنها گیر نکنیم و نباید اجازه داد مردم در اقتصاد عقب بمانند.

رئیس مجلس با تأکید مجدد بر دستاوردهای هسته‌ای کشور گفت: تلاش شد از نظر دانش هسته‌ای به جایی برسیم که دشمنان نتوانند بگویند ایران دانش هسته‌ای ندارد، البته هزینه‌هایی در راه این پیشرفت شد، اما به موفقیتی دست یافتیم که قابل‌نسیان نیست، بنابراین باید با استفاده از این فرصت، جلوی دست‌اندازی‌ها را گرفت. او همچنین در بخش دیگری از سخنانش، با بیان اینکه کشور با مشکلاتی از قبیل بی‌کاری جوانان و رکود مواجه است که باید حل شود، افزود: در این رابطه شهید مطهری فرمود اهداف عالیه اسلامی وقتی محقق می‌شوند که اقتصادی سالم داشته باشیم که بیانگر اقتصادی مولد و زاینده است و اگر اقتصاد نامیزان باشد، به هدف نمی‌رسیم و تحقق اهداف جمهوری اسلامی نیاز به قدرت اقتصادی دارد.

دکتر لاریجانی در ادامه گفت: رهبر معظم انقلاب بر مردمی‌بودن اقتصاد و فرهنگ تأکید دارند و امام‌خمینی(ره) نیز این موضوع‌ها را فرموده بودند. رئیس مجلس همچنین تصریح کرد: باید تلاش شود مسلمانان بیشتر به هم نزدیک شوند؛ رهبر فرزانه انقلاب در همین روز عید فرمودند آمریکایی‌ها و دشمنان به دنبال اختلاف بین شیعه و سنی هستند، بنابراین دامن‌زدن به اختلافات کار درستی نیست و همبستگی اسلامی یک امر واجب است.

رئیس قوه‌مقننه همچنین تأکید کرد: قوام هیأت‌ها این است که معرفت دینی را رشد دهند و یکی از حُسن‌های کار شما مردمی‌بودن است، زیرا سیستم دولتی نمی‌تواند در این رابطه خیلی موفق باشد. البته دولت و مسئولان وظیفه کمک به هیأت‌ها را دارند، اما نباید ارتزاق نهادهای دینی به وسیله دولت باشد. یکی از دلایل رشد شیعه، استقلال مالی روحانیت است. البته در جمهوری اسلامی باید به نهادهای دینی در عین استقلال، کمک شود.

توصیه‌های انتخاباتی به مسئولان و نامزدها



آیت‌الله مکارم‌شیرازی سخنان مهمی درباره انتخابات خطاب به مسئولان، مردم، کاندیداها و احزاب و گروه‌های سیاسی بیان کرد. این مرجع تقلید در جلسه درس خارج فقه خود در مسجد اعظم با اشاره به اهمیت و حساسیت

انتخابات پیش رو افزود: ما در حکومت اسلامی انتخابات‌مان باید اسلامی باشد، در غرب و آمریکا همه رقم قول می‌دهند و زد و بند می‌کنند، از حکومت مادی غیر از این انتظار نمی‌رود، اما در شعاع حکومت اسلامی همه انتظار دارند انتخابات هم اسلامی باشد و تمام اصول اخلاقی در آن حفظ شود و صدمه‌ای به هیچ یک از اصول اخلاقی وارد نشود.

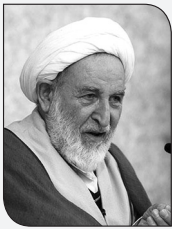
آیت‌الله مکارم‌شیرازی با تأکید بر این که «کاندیداها، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی از تخریب یکدیگر بپرهیزند، تهمت زنی را کنار بگذارند و از خلاف گویی اجتناب کنند» اظهار کرد: اینها خلاف شرع بین است و در آینده نیز مشکلات بسیاری را همچون کینه و عداوت ایجاد خواهد کرد.

وی اضافه کرد: نکته دیگر این است که باید افراد و کاندیداها از وعده‌های دروغین به مردم بپرهیزند، نباید مدینه‌فاضله‌ای تصور کنند و وعده‌های دروغ و آنچنانی به مردم بدهند، این وعده‌های دروغین ممکن است در برخی ساده‌لوحان مؤثر واقع شود اما ضررهای بسیاری دارد و باعث بی‌اعتمادی و فاصله گرفتن از مردم می‌شود.

وی با تأکید بر این که «نامزدهای انتخاباتی

مداحی یک فضیلت است اما ...

آیت الله محمد یزدی



الحمدلله در این دو ماه (محرم و صفر) تعظیم شعائر به خوبی انجام شده، ولی نکته‌ای را که باید به اجمال عرض کنم، درباره وضعیت مداحان کشور است که تقریباً میدان را از دست گویندگان گرفته اند و مردم بیشتر به خاطر مداحان در مجالس شرکت می‌کنند و اعتبار گویندگان مذهبی که هدف اصلی‌شان تبیین اهداف حادثه کربلا و ابلاغ عبرت‌های آن بوده، در حال کم‌رنگ شدن است.

مدح در روایات ما آمده و برخی از مداحان مورد تشویق ائمه(ع) قرار گرفته اند، اما روش هایی که مداحان در پیش گرفته اند، به گونه ای است که آهسته آهسته از نت های موسیقی غربی استفاده می کنند؛ آنهایی که اهل فن هستند، در بعضی موارد می بینند که مداحی ها درست با آن تنها تطبیق می کند؛ گاهی هم مضامینی پیش پا افتاده و محتوای غلط ارائه می شود و بیشتر صدای مداح و فراز و نشیب تنهای موسیقی است که به آن توجه می شود؛ این یک خطر است.

مداحی یک فضیلت است، اما نباید تبدیل به یک ردیلت شود؛ نمی خواهیم بگویم که همه مداحان اینطور هستند، بعضی مداحان از مضامین صحیح، معتبر و مستند استفاده کرده و رعایت جهات دیگر را می کنند و جلسات خوبی در جمع عزاداران برگزار می کنند که برای تعظیم شعائر مفید و موثر است.

گویندگان در منبرها جلسات خوبی دارند، مخصوصاً جلساتی که در محضر مقام معظم رهبری تشکیل می شود، جلسات مؤثر و مفیدی بوده است؛ از نقاط مثبت هم نباید گذشت گویندگان و منبریان خیلی خوبی هم بوده اند و هستند و درس ها و عبرت های عاشورا را بازگو کرده اند، اما بعضی ها را نباید نادیده گرفت که اجمالاً اشاره کردم.

درباره تلاش جریانات وابسته در جذب طلاب با شهریه های انگلیسی باید نگران بود. تکلیف ما در خصوص آنها مشخص است، هیچوقت حق به خاطر کثرت باطل عقب نرفته است؛ همیشه حق در اقلیت بوده و کم بوده و از باطل نترسیده است؛ از اینکه آن طرف زیاد هستند و این طرف کم نباید ترسید؛ حرف حق را باید زد در حوزه هم حرف حق را باید زد و دنبال هم باید کرد و تکلیف هم مشخص است.

۱۷ سال پاسکاری یک پروژه فرهنگی

اندر احوال داستان کتابخانه مرکزی یزد

کتابخانه به عنوان مدرن‌ترین و بزرگ‌ترین کتابخانه دیجیتالی استان، با ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی با ۲۰ میلیارد ریال اعتبار طی ۱۸ ماه تکمیل می‌شود اما آن را به ارگانی تحویل نخواهد داد.

در حال آماده سازی

مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی یزد در ابان ماه امسال از به پایان رسیدن عملیات ساخت کتابخانه مرکزی یزد خبر داد. رقیه دوست فاطمی‌ها در مورد وضعیت این پروژه گفت: کتابخانه مرکزی یزد طرحی بود که از ۱۶ سال قبل در مرکز استان کلنگ‌زنی شد اما به دلیل مشکلات فنی و اعتباری تاکنون ادامه یافته است. وی افزود: پس از اینکه مشکل فنی این کتابخانه رفع شد، به دلیل کمبود منابع مالی نهاد کتابخانه‌ها و اداره ارشاد، تکمیل این کتابخانه به شهرداری یزد سپرده شد و شهردار نیز چندی پیش از آماده بهره‌برداری رسیدن این کتابخانه خبر داد. وی اعلام کرد: این کتابخانه در واقع بزرگترین کتابخانه استان یزد است که به تجهیزات بسیاری نیاز دارد. ضمن اینکه هزینه‌های نگهداری آن نیز بالا است و از آنجا که نهاد کتابخانه‌های عمومی استان یزد چنین بودجه‌ای ندارد، هنوز تکلیف تجهیز و نگهداری این کتابخانه مشخص نشده است. در چند روز گذشته معاون فنی و عمرانی شهرداری یزد اعلام کرد: کتابخانه مرکزی یزد تا یک ماه آینده در سفر رئیس جمهور به استان افتتاح خواهد شد.

محمدرسلول طهماسبی گفت: تاکنون برای ساخت این کتابخانه ۷۰۰ میلیون تومان اعتبارهزینه شده است، اگر انشعابات به موقع به این کتابخانه واگذار شود، بهره‌برداری اولیه تا یک ماه آینده ممکن است. همچنین تکمیل و تجهیز نهایی کتابخانه باید در یک قرارداد مجزا انجام شود که برای تکمیل ابنیه و تجهیز آن به ۸۰۰ میلیون تومان اعتبار نیاز است. البته سفر هیات دولت به استان یزد مشخص نیست و قرار است تا پایان دوره به این استان سفر کند.

گزارش: فرزانه فریدونی - روزنامه جوان

بعثت: به راستی مسئولیت نگهداری و تجهیز و تکمیل کتابخانه های کشور بر عهده کدام نهاد است ؟!

چالش دیگر این کتابخانه این بود که در بافت قدیمی شهر واقع شده و با توجه به ارتفاع ساختمان آن، این موضوع به مشکلی با سازمان میراث فرهنگی استان تبدیل شده بود. این سازمان رسماً اعلام کرد باید به میزان ۹ متر از ارتفاع این ساختمان کاسته شود.

پروژه دست به دست به شهرداری رسید

مطالعه و طراحی کتابخانه مرکزی یزد در سال ۷۶ و در ابتدای کار، زیر نظر دفتر عمرانی و املاک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شد اما این طرح با پیشرفت فیزیکی کمتر از ۲۰ درصد، از سال ۸۰ برای اجرا به اداره کل مسکن و شهرسازی وقت واگذار شد. در سال ۸۸ و در مقطعی کوتاه، دستگاه اجرایی این طرح از اداره کل مسکن و شهرسازی به اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری تغییر پیدا کرد ولی به دلیل توقف کار، مجدداً تکمیل پروژه به اداره کل مسکن و شهرسازی وقت محول شد. در سال ۹۳ ساختمان کتابخانه با پیشرفت ۸۰ درصد به مالک زمین آن یعنی شهرداری یزد داده شد تا از سوی شهرداری، تکمیل و به بهره‌برداری برسد. در واقع تکمیل ساخت کتابخانه مرکزی یزد پس از چند بار دست به دست شدن بین سازمان‌های مختلف، بالاخره به شهرداری یزد واگذار شد تا شاید پس از سال‌ها انتظار به نتیجه برسد. در سال ۹۳ مدیر فنی و اجرایی اداره کل راه و شهرسازی استان یزد در این مورد گفت: از عمده دلایل تأخیر در اجرای این طرح علاوه بر عدم تأمین اعتبار کافی و به موقع، ممانعت اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان در مقاطع مختلف و تأکید این دستگاه بر تعدیل ارتفاع طرح به دلیل قرارگیری آن در محدوده بافت تاریخی بوده است.

همچنین در همان زمان شهردار یزد، با انتقاد از این‌که عملیات ساخت کتابخانه ۱۶ سال به طول انجامیده و به نظر می‌رسد با این روند سال‌های سال نیز به بهره برداری نرسد، گفت: شهرداری در نظر دارد از طریق اعتبار تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت و بخشی از اعتبارات شهرداری، این مجموعه را تکمیل کند. محمدرضا عظیمی‌زاده افزود: طرح نیمه تمام این

یزد یکی از قطب‌های علمی و فرهنگی کشور است که علیرغم میزان زیاد علاقمندی مردم این استان، امکانات علمی و آموزشی کمی در اختیارشان قرار گرفته است. در این میان منابع تخصصی و عمومی برای علم اندوزان اهمیت بسیار دارد اما دانشجویان مقاطع مختلف و دانش‌آموزان یزدی در این مورد مشکل دارند.

سال‌هاست که مسئولان این استان راه‌اندازی بزرگترین کتابخانه تخصصی را به علاقمندان به کتاب و دانش وعده می‌دهند اما بعد از ۱۷ سال درهای این کتابخانه هنوز بر روی این افراد باز نشده است. کتابخانه مرکزی یزد هر چند سال یکبار بین نهاد و سازمان‌های مختلف این استان در چرخش بود تا اینکه در آخر به شهرداری یزد محول شد. توقف این پروژه بنا به دلایلی مانند اختلال در بافت تاریخی شهر یزد، تغییر در پیمانکار، کمبود اعتبار و ... بوده است.

عملیات احداث کتابخانه مرکزی یزد از سال ۷۷ آغاز شد و به دلیل مشکلات عدیده‌ای که بر سر راه ساخت آن ایجاد شد، تا به امروز به بهره‌برداری نرسیده است. در سال ۸۳ این پروژه به طور کامل متوقف شد و در سال مرداد ماه ۸۶ تنها پیگیری که مسئولان استان در مورد رسیدگی به این طرح بزرگ انجام دادند، تشکیل کمیته‌ای شامل نمایندگان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و مسکن و شهرسازی استان بود. در آن زمان، با وجودی که شروع مجدد این پروژه که در آخرین سفر هیات دولت جزو طرح‌های مصوب بود، باید در دستور کار قرار می‌گرفت اما این اتفاق نیفتاد. در واقع تنها تصمیم این کمیته مشترک بر حفظ وضعیت موجود و ادامه توقف در ساخت این کتابخانه بود. به گفته مدیر وقت امور کتابخانه‌های عمومی استان یزد در آن زمان، این کتابخانه تنها ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و در تمام مدت ساخت فقط اسکلت فلزی آن نصب بوده است.

محمدرضا قانع اعلام کرد: اگر پروژه ادامه پیدا می‌کرد، با حدود یک میلیارد تومان اعتبار تکمیل می‌شد اما با توجه به گرانی بیش از حد مصالح ساختمانی در صورت ادامه کار بیش از ۲ میلیارد تومان بودجه نیاز دارد.